

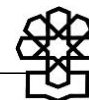
آثار و نتایج نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی
با تأکید بر حدنصاب‌های اکثریتی معمول
در ده دوره انتخاباتی

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۶۲۰۳
دی‌ماه ۱۳۹۷

فهرست مطالب

۱.....	خلاصه اجرایی
۵.....	مقدمه
۷.....	۱. قطعیت نتایج انتخابات
۸.....	۱-۱. تأثیر حدنصاب انتخاباتی
۱۰.....	۱-۲. تأثیر سایر عوامل مؤثر
۱۵.....	۲. تناسب انتخاباتی
۱۵.....	۲-۱. شاخص سنجش عدم تناسب انتخاباتی
۱۶.....	۲-۲. نقش فرمول‌های انتخاباتی در تناسب انتخاباتی
۱۹.....	۳. درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی
۲۰.....	۳-۱. شاخص درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی
۲۰.....	۳-۲. نقش حدنصاب انتخاباتی
۲۲.....	۳-۳. نزول شأن نامزدها
۲۴.....	۴. وضعیت انتخاب قطعی در مرحله دوم
۲۴.....	۴-۱. میزان تغییرات
۲۶.....	۴-۲. عوامل مؤثر
۳۱.....	۵. سطح مشارکت در مرحله دوم
۳۱.....	۵-۱. میزان تغییرات
۳۳.....	۵-۲. عوامل مؤثر
۳۶.....	۶. مقایسه آرای منتخبین مرحله دوم
۳۷.....	۶-۱. میزان افزایش یا کاهش تعداد آرا
۳۸.....	۶-۲. عوامل مؤثر
۴۰.....	۷. دامنه جغرافیایی انتخابات
۴۶.....	نتیجه‌گیری
۴۹.....	منابع و مآخذ



آثار و نتایج نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر حدنصاب‌های اکثریتی معمول در ده دوره انتخاباتی

خلاصه اجرایی

در طی ده دوره انتخابات عمومی برای تشکیل مجلس شورای اسلامی، نظام انتخاباتی مورد عمل، نظام اکثریتی دومرحله‌ای بوده است. انتخابات مرحله اول در حوزه‌هایی که حدنصاب قانونی لازم در آنها احراز نشده است، به مرحله دوم موکول شده است. با این حال، حدنصاب قانونی در همه این ده دوره انتخابات یکسان نبوده است. این حدنصاب طی سه نوبت تغییر کرده است: انتخابات دوره‌های اول و دوم با حد نصاب اکثریت مطلق، دوره‌های سوم، چهارم و پنجم با اکثریت یک‌سوم و دوره‌های ششم الی دهم با اکثریت یک‌چهارم برگزار شده‌اند. البته طی تغییر جدیدی که در قانون انتخابات مجلس صورت گرفته و تاکنون معتبر است، انتخابات بعدی نیز باید با اکثریت یک‌پنجم برگزار شود.

در مورد آثار و پیامدهای نظام انتخاباتی دومرحله‌ای مجلس شورای اسلامی سؤال‌هایی مطرح بوده است که برخی از این سؤال‌ها مبنایی برای کاهش حدنصاب انتخاباتی در قانون انتخابات قرار گرفته است. سؤال‌ها از این قبیل که حد نصاب مقرر در نظام اکثریت دومرحله‌ای موجب می‌شود بخش زیادی از کرسی‌ها و حوزه‌ها به مرحله دوم موکول شود و از این بابت برگزاری مرحله دوم هزینه‌های برگزاری انتخابات و هزینه تبلیغات انتخاباتی را مضاعف می‌کند و از طرف دیگر با توجه به تجربه حاصله، نوعاً در مرحله دوم مشارکت سیاسی به شدت کاهش می‌یابد و نمایندگان منتخب در مرحله دوم اکثراً با تعداد آرای کم‌تری نسبت به نمایندگان منتخب مرحله اول به مجلس راه می‌یابند، لذا برای پیشگیری از این آثار و نتایج، حدنصاب انتخاباتی مستمراً تنزل یافته و از اکثریت مطلق در انتخابات مجلس اول به اکثریت یک‌پنجم در انتخابات آتی رسیده است. این سؤال‌ها در هفت مؤلفه اصلی قابل دسته‌بندی است: قطعیت نتایج انتخابات، تناسب انتخاباتی، پشتوانه مردمی، تغییر در انتخاب قطعی، میزان مشارکت در مرحله دوم، تعداد آرای منتخبین مرحله دوم و دامنه جغرافیایی مرحله دوم انتخابات.

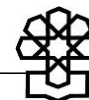
در گزارش حاضر با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به مراحل اول و دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی در ده دوره انتخاباتی، آثار و نتایج فرمول اکثریت دومرحله‌ای از هفت مؤلفه و محور اصلی تشکیل شده که سؤال‌های مطرح شده در باب نظام اکثریت دومرحله‌ای انتخابات مجلس می‌باشند. نتایج تحقیق و توصیه‌های سیاستی در مورد هر محور به شرح زیر است:

۱. **قطعیت نتایج انتخاباتی:** با کاهش تدریجی حدنصاب انتخاباتی، میزان کرسی‌ها و حوزه‌های راه‌یافته به مرحله دوم به تدریج با کاهش نسبی برخوردار بوده، لکن نه تنها برگزاری مرحله دوم کلاً منتفی نشده، بلکه شاهد آثار مختلف از یک حدنصاب انتخاباتی بوده‌ایم. به عنوان یک توصیه سیاستی متذکر می‌شویم که قطعیت نتایج انتخابات همواره و همیشه «کمال مطلوب» و «ایده‌آل» یک فرمول انتخاباتی نمی‌تواند باشد، یعنی نباید در نظام دومرحله‌ای به دنبال کاهش تعداد کرسی‌ها و حوزه‌های راه‌یافته به مرحله دوم بود که اگر چنین باشد، باید نظام اکثریت نسبی بدون کوچک‌ترین اما و اگر بر نظام دومرحله‌ای ترجیح داده شود، حال آنکه چنین نیست. مزایای این نظام نباید فدای قطعیت انتخاباتی شود.

موکول شدن بخش وسیعی از حوزه‌ها و کرسی‌ها به مرحله دوم را نمی‌توان «مشکل یا مسئله» فرض کرد تا با طرح آن به فرمول دومرحله‌ای خرده گرفت. این آثار، «نتایج عادی و ذاتی و معمولی فرمول دومرحله‌ای» هستند و زمانی که این فرمول مورد گزینش قرار می‌گیرد، باید پیامدهای طبیعی و عادی آن را نیز پذیرفت. خیلی پیش‌تر از کشور ما، این فرمول در کشور فرانسه مورد عمل قرار گرفته و همین آثار و پیامدها را، حتی در مقیاسی وسیع‌تر از انتخابات ما، به بار آورده و از سال ۱۹۵۸ تا کنون، هیچ مصلحتی حداقل از این بابت بر این فرمول انتخاباتی خرده نگرفته است.

۲. **درجه تناسب یا عدم تناسب انتخاباتی:** از انتخابات مجلس اول تا مجلس دهم به مناسبت تنزل حدنصاب انتخاباتی، عدم تناسب انتخاباتی افزایش یافته است. درجه عدم تناسب هر کدام از حدنصاب‌های اکثریتی به قرار زیر است: اکثریت مطلق (بین ۳ الی ۵)، اکثریت یک‌سوم (بین ۵ الی ۷) و اکثریت یک‌چهارم (بین ۷ الی ۹). انتظار می‌رود، در انتخابات یازدهمین دوره مجلس که مجدداً با تنزل حد نصاب انتخاباتی از یک‌چهارم به یک پنجم مواجه هستیم، درجه عدم تناسب انتخاباتی مجدداً افزایش یابد. اما میزان این افزایش را بستر سیاسی حاکم بر آن و اقبال احزاب سیاسی برای مشارکت در انتخابات تعیین می‌کنند. اگر بستر سیاسی مشابه با بستر سیاسی مجلس دهم باشد، در این صورت رقابت دوقطبی از افزایش بی‌حد و حصر عدم تناسب انتخاباتی جلوگیری خواهد کرد، لکن اگر رقابت انتخاباتی همانند دوره‌های هفتم تا نهم باشد، در این صورت درجه عدم تناسب انتخاباتی، احتمالاً از درجه عدم تناسب انتخاباتی مجلس ششم نیز فراتر خواهد رفت.

۳. **میزان پشتوانه مردمی مجلس و درجه نمایندگی:** در حدنصاب اکثریت مطلق میزان آرای مکتسبه حدود ۶۲ درصد و میزان آرای بلااثر حدود ۳۸ درصد است. بالاترین شاخص کل درجه نمایندگی نیز ۱/۱۲ و متوسط درجه نمایندگی ۰/۷۰ است. در حدنصاب اکثریت یک‌سوم، میزان آرای مکتسبه حدود ۴۷ درصد و میزان آرای بلااثر حدود ۵۳ درصد است. بالاترین شاخص کل درجه نمایندگی ۰/۵۶ و متوسط درجه نمایندگی ۰/۲۷ است. اگر در مورد مجالس چهارم و پنجم آمار متفاوتی ملاحظه می‌شود، این آمار آثار سایر عوامل مؤثر بر نتایج انتخابات می‌باشد و ارتباطی با حدنصاب انتخاباتی ندارد. حدنصاب



اکثریت یک‌چهارم نیز آثاری بر خلاف اکثریت مطلق ایجاد کرده و میزان آرای مکتسبه ۳۸ درصد و میزان آرای بلاثر ۶۲ درصد است. بالاترین شاخص کل درجه نمایندگی ۰/۴۹ و متوسط درجه نمایندگی ۰/۱۷ می‌باشد. انتظار می‌رود با تنزل حدنصاب انتخاباتی به اکثریت یک‌پنجم، در انتخابات یازدهمین دوره مجلس میزان آرای مکتسبه به چیزی حدود ۲۵ درصد کاهش و میزان آرای بلاثر به ۷۵ درصد افزایش یابد. همچنین احتمال آن بسیار زیاد است که شاخص کل به ۰/۳۵ و متوسط درجه نمایندگی نیز به رقمی پایین‌تر از ۰/۱۰ برسد.

تداوم روند تنزل حدنصاب انتخاباتی موجب تغییر و جایگزینی در ارزش‌های سیاسی و جابه‌جایی اقلیت با اکثریت خواهد شد. در انتخابات مجلس، مخصوصاً در پنج دوره قانونگذاری اخیر، نمایندگان اقلیتی که برگزیده حدود ۳۸ درصد شهروندان (آن هم فقط شهروندان واجد شرایط رأی دادن، نه کل شهروندان) بوده‌اند، بر اکثریت ۶۲ درصدی حاکمیت داشته‌اند. این پدیده یکی از آثار سوء تنزل حدنصاب انتخاباتی در نظام اکثریت دومرحله‌ای است.

۴. تغییر در انتخاب قطعی: تغییرات صورت گرفته از لحاظ انتخاب قطعی در هیچ‌کدام از دوره‌های مجلس چشمگیر نبوده است. بیش‌ترین تغییرات از لحاظ انتخاب قطعی در مرحله دوم هفتمین دوره انتخابات مجلس اتفاق افتاده است. در این دوره از انتخابات، از ۵۳ کرسی قطعیت یافته در مرحله دوم، در ۲۱ کرسی تغییر صورت گرفته و در مورد ۳۲ کرسی باقیمانده تغییری از لحاظ انتخاب قطعی صورت نگرفته است. کم‌ترین تغییرات نیز مربوط به مجلس اول است. از ۱۳۲ کرسی قطعیت یافته در مرحله دوم، فقط در ۲۹ کرسی تغییر صورت گرفته و در مورد ۱۰۳ کرسی باقیمانده، منتخبین مرحله دوم همان نامزدهایی بوده‌اند که در مرحله اول نیز در صدر قرار گرفته‌اند. لذا در همه دوره‌های انتخاباتی، اکثریت چشمگیری از منتخبان مرحله دوم، در واقع نامزدهایی هستند که در مرحله اول نیز از شانس انتخاب شدن برخوردار بوده‌اند. برگزاری انتخابات مرحله دوم در مورد این قسم از منتخبین که در هر دوره بخش اعظمی از منتخبین مرحله دوم را به خود اختصاص داده‌اند، تأثیری در وضعیت آنها نداشته و در هر حال این نامزدها با کسب آرا بیش‌تر از رقبای خود (و شاید کم‌تر از مرحله اول) به مجلس راه یافته‌اند.

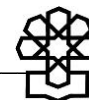
۵. میزان مشارکت در مرحله دوم: با نگاه به سیر میزان کاهش مشارکت در مرحله دوم، از انتخابات مجلس اول تا مجلس دهم، ترتیبات معناداری ملاحظه می‌شود. مرحله دوم انتخابات مجالس اول و دوم با حدنصاب اکثریت مطلق، به ترتیب با کاهش ۲۳/۴۶ و ۳۵/۴۲ درصدی سطح مشارکت در قیاس با مرحله اول مواجه بوده است. مرحله دوم انتخابات مجالس سوم، چهارم و پنجم با حدنصاب اکثریت یک‌سوم، به ترتیب با کاهش ۳۹/۵۰ و ۲۸ و ۳۳ درصدی سطح مشارکت نسبت به مرحله اول مواجه بوده است. مرحله دوم انتخابات مجالس ششم تا دهم با حدنصاب اکثریت یک‌چهارم، به ترتیب با کاهش

۵۳ و ۵۴/۳۹ و ۴۴/۲۸ و ۴۵/۴۷ و ۴۱/۴۸ درصدی سطح مشارکت نسبت به مرحله اول مواجه بوده‌اند. به نظر نمی‌رسد دوم‌مرحله‌ای بودن انتخابات در کاهش سطح مشارکت مرحله دوم نقش داشته باشد، زیرا داوطلبان می‌توانند نیروهای مردمی را به سمت خواسته‌های خود بسیج کنند و نظام انتخاباتی نمی‌تواند مانعی در این راه باشد. اگر حساسیت رأی‌دهندگان در مرحله دوم از طریق تبلیغات رسانه‌ای و فعالیت حزبی و معرفی نامزدهای باکیفیت و مطلوب و به‌پا دادن به رأی مردم افزایش یابد، قطعاً سطح مشارکت در مرحله دوم نیز بالا خواهد گرفت. درسی که از مجلس اول آموخته‌ایم نباید فراموش شود و باید چراغ راه باشد: حدنصاب بالا در مرحله اول، نامزدهای مطلوب، مشارکت گسترده در مرحله دوم، مجلسی با پشتوانه مستحکم مردمی و انقلابی. متقابلاً «پژواکی» که از مجالس ششم تا دهم - و احتمالاً - مجلس یازدهم، به گوش می‌رسد، باید آویزه گوش و درس عبرت باشد: حدنصاب پایین در مرحله اول، نامزدهایی به مراتب با شأن نامزدی پایین، مشارکت ناچیز در مرحله دوم و مجلسی با کم‌ترین پشتوانه مردمی.

۶. تعداد آرای منتخبین مرحله دوم: در انتخابات مجالس اول، چهارم، پنجم، ششم و مخصوصاً دهم با افزایش تعداد آرای منتخبین نسبت به مرحله اول و در انتخابات مجالس دوم، سوم، هفتم، هشتم و نهم با کاهش تعداد آرا در قیاس با مرحله اول مواجه هستیم.

در دوره‌های انتخاباتی که با کاهش تعداد آرای منتخبین مرحله دوم مواجه بوده‌ایم، نرخ کاهش بسیار ناچیز بوده است. بیش‌ترین نرخ کاهش مربوط به دوره دوم با ۲۰/۳۳ درصد و کم‌ترین آن مربوط به دوره ششم با ۳/۵۰ درصد است. در حالی که در دوره‌های انتخاباتی که با افزایش تعداد آرای منتخبین مواجه بوده‌ایم، نرخ افزایش بسیار بالا است. بیش‌ترین افزایش تعداد آرا مربوط به دوره دهم انتخابات با ۳۵/۱۱ درصد و کم‌ترین نرخ افزایش مربوط به دوره چهارم با ۹/۶۰ درصد است. در هر حال، زمانی که ادعا می‌کنیم منتخبین مرحله دوم با آرای به مراتب کم‌تری نسبت به مرحله اول راهی مجلس می‌شوند، باید بدانیم که اولاً این امر در مورد همه دوره‌های مجلس صحت ندارد، ثانیاً نرخ کاهش میزان آرای منتخبین بسیار ناچیز است، در حالی که نرخ افزایش تعداد آرا رقم قابل توجهی است. همچنین به استثنای دوره دوم مجلس، در همه دوره‌ها، تعداد نمایندگان که در مرحله دوم با افزایش آرا راهی مجلس شده‌اند، بسیار بیش‌تر از نمایندگان است که با کاهش تعداد آرا به نمایندگی مجلس انتخاب شده‌اند. مخصوصاً در دوره‌های ششم و دهم تعداد آنان از تعداد انگشتان یک دست هم فراتر رفته است. تغییر در حمایت سیاسی و انتقال آرا، بستر سیاسی حاکم بر انتخابات و برخی دیگر از عوامل کم‌رنگ در افزایش یا کاهش تعداد آرای منتخبین مرحله دوم تأثیر داشته‌اند.

۷. دامنه جغرافیایی مرحله دوم انتخابات: استان‌هایی که حوزه‌ها و کرسی‌های آنها در مرحله اول به قطعیت رسیده‌اند و یا استان‌هایی که همواره و در اکثر دوره‌های انتخاباتی مجلس، در مرحله دوم حضور داشته‌اند، با اندک تفاوت و تغییرات که عمدتاً ناشی از حدنصاب انتخاباتی است، همواره یکسان بوده‌اند،



به گونه‌ای که برخی استان‌ها هستند که در تمامی دوره‌های انتخاباتی، تمامی حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های نمایندگی متعلقه آنها در مرحله اول قطعیت یافته‌اند و برخی استان‌ها نیز هستند که کلیه حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های نمایندگی متعلقه آنها، عمدتاً و در اکثر دوره‌های انتخاباتی به مرحله دوم موکول شده‌اند. تعدادی از استان‌ها نیز هستند که در دوره‌های مختلف انتخاباتی، بخشی از حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های نمایندگی متعلقه آنها در مرحله اول به قطعیت رسیده و بخشی دیگر نیز به مرحله دوم موکول شده است. به نظر می‌رسد، از این حیث یک الگو در بین استان‌های کشور وجود دارد. برای مثال در انتخابات آینده مجلس استان ایلام مستعد این است که تمامی کرسی‌های آن به مرحله دوم راه یابند.

بنابراین، مهم‌ترین توصیه سیاستی این گزارش این است که کاهش حدنصاب انتخاباتی به هر بهانه، قابل توجیه نیست، زیرا دور شدن از نظام اصلی دومرحله‌ای (اکثریت مطلق) آثار و نتایج مضری را متوجه انتخابات مجلس ساخته است. این نظام انتخاباتی یا باید با همه آثار و نتایج آن مورد پذیرش قرار گیرد و یا کلاً به نفع یک نظام انتخاباتی دیگر کنار گذاشته شود.

مقدمه

مردم‌مسالاری بر پایه انتخاب نمایندگان توسط شهروندان استوار است که از جانب و به جای آنها به اعمال قدرت و حاکمیت می‌پردازند. انتخابات بر اساس شیوه‌های فنی گوناگونی مرسوم به نظام‌ها یا سامانه‌های انتخاباتی انجام می‌شود. نظام انتخاباتی قواعد فنی برای انتخاب داوطلبان به عنوان نماینده در یک انتخابات است. برابر این نظام‌ها، شیوه‌های اعمال حق رأی، روش‌های محاسبه نتایج انتخابات و مبانی که بر اساس آن کرسی‌های مورد رقابت در انتخابات تقسیم می‌شوند، مشخص می‌شود.

همچنین، نظام انتخاباتی راهکار یک نظام سیاسی در چگونگی تعیین دولتمردان و نمایندگان مردم است. این نظام قواعد بازی سیاسی را مشخص می‌کند و بر چگونگی مبارزات انتخاباتی، رفتارهای نخبگان سیاسی و احزاب کشور تأثیر می‌گذارد.

معمولاً کشورها برحسب اینکه در امر انتخابات و نمایندگی، کارآمدی و یا عدالت و انصاف انتخاباتی را مد نظر داشته باشند، یکی از دو سامانه انتخاباتی اکثریتی و تناسبی را برمی‌گزینند. هریک از دو نظام دارای محاسن و معایبی است. به همین علت برخی از دولت‌ها این دو نظام انتخاباتی را درهم آمیخته و به سامانه انتخاباتی مختلط یا آمیخته روی آورده‌اند. همچنین، فرمول انتخاباتی یکی از اجزای نظام انتخاباتی است که نحوه تخصیص کرسی - رأی را تعریف می‌کند.

بررسی آثار و نتایج نظام‌های انتخاباتی یکی از موضوعات مهم و در عین حال دشوار در علوم سیاسی است. یکی از مهم‌ترین دلایل این دشواری این است که یک نظام انتخاباتی واحد می‌تواند آثار و نتایج مختلفی

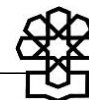
از خود بروز دهد و پیامدهای یک نظام انتخاباتی از یک نظام سیاسی به نظام سیاسی دیگر متفاوت است. این امر ضرورت دقت و احتیاط در موضوع بررسی آثار سیاسی نظام‌های انتخاباتی را دو چندان می‌کند.

در تحلیل فرمول‌ها و نظام‌های انتخاباتی و سنجش آثار آنها، متخصصین امر انتخابات عمدتاً به بررسی آثار و نتایج سیاسی آنها اکتفا کرده‌اند. هر تألیف یا اثری که در مورد بررسی آثار و نتایج نظام‌های انتخاباتی نگاشته شده است، بلااستثنا به تحلیل آثار سیاسی فرمول‌ها و نظام‌های انتخاباتی، به خصوص موضوعاتی نظیر تأثیر نظام انتخاباتی بر نظام حزبی، تناسب انتخاباتی و اصل نمایندگی و تکثر و تعدد حزبی و همچنین تأثیر آن بر کارآمدی، پایداری و ثبات و استمرار دولت‌ها پرداخته است. این ادبیات تا حدودی قابل پذیرش است، لکن در نظام‌های اکثریتی از نوع اکثریت دو مرحله‌ای، علاوه بر این آثار سیاسی، برخی پیامدها و نتایج فنی و کمی نمود می‌یابد که تا کنون، نه تنها در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی، بلکه در سایر نظام‌هایی که اکثریت دو مرحله‌ای را مورد عمل قرار می‌دهند، بررسی نشده است. با توجه به اینکه انتخابات در دو مرحله برگزار می‌شود، بنابراین در هر دوره از انتخابات مجلس:

۱. نتایج مرحله اول انتخابات تا چه حد قطعیت داشته است؟ در هر دوره از انتخابات مجلس چه تعداد از حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های مجلس در مرحله اول قطعیت یافته‌اند و چه تعداد از آنها روانه مرحله دوم شده و در این مرحله به قطعیت رسیده‌اند؟ آیا حدنصاب‌های انتخاباتی در این قضا یا دخیل هستند یا در کنار حدنصاب‌ها، عوامل دیگری نیز در آنها نقش دارند؟ این عوامل کدامند؟ آیا از این حیث بین حدنصاب‌های سه‌گانه معمول در انتخابات مجلس تفاوت‌هایی وجود دارد؟

۲. درجه تناسب یا عدم تناسب انتخاباتی در هر دوره از انتخابات مجلس به چه میزان است؟ به عبارت دیگر، توزیع کرسی‌های مجلس در هر دوره از انتخابات چگونه صورت گرفته است؟ آیا فرمول و حدنصاب انتخاباتی اجازه داده است که کرسی‌های مجلس به تناسب آرای هر حزب یا گروه سیاسی بین آنها توزیع شود؟ آیا بین «سهم از آراء» و «سهم از کرسی‌ها» تناسب برقرار است؟ آیا هر حزب یا طیف سیاسی به تناسب آرای خود از کرسی‌های مجلس برداشت کرده است؟ آیا احزاب و گروه‌های کوچک نیز توانسته‌اند به مناسبت آرائی که به‌دست آورده‌اند، صاحب کرسی در مجلس شوند؟ حدنصاب‌های سه‌گانه اکثریتی در این امر دخالت دارند؟ بین حدنصاب‌های سه‌گانه تفاوتی از این حیث وجود دارد؟

۳. میزان پشتوانه مردمی مجلس و درجه نمایندگی در هر دوره از انتخابات مجلس چقدر است؟ هر نماینده مجلس با کسب چند درصد از آرای مأخوذه وارد مجلس شده است؟ در مجموع، مجلس به عنوان یک کل با کسب چند درصد از مجموع آرای انتخابات شکل گرفته است؟ چند درصد از آرای مردمی در هر دوره از انتخابات به هدر رفته و اثر حضوری در توزیع کرسی‌های مجلس نداشته است؟ حدنصاب‌های سه‌گانه اکثریتی در این امر دخالت دارند؟ بین حدنصاب‌های سه‌گانه تفاوتی از این حیث وجود دارد؟



۴. نتایج انتخابات در مرحله اول و دوم به لحاظ انتخاب قطعی تغییر یافته است؟ در حوزه‌هایی که به مرحله دوم موکول شده‌اند، نتیجه مرحله اول با نتیجه مرحله دوم تا چه میزان تفاوت داشته است؟ آیا نامزدی که در مرحله اول، در ردیف اول قرار داشته، در مرحله دوم نیز به عنوان نامزدی که بیش‌ترین آرای را کسب کرده، به انتخاب قطعی رسیده و راهی مجلس شده است؟ یا در مرحله دوم تغییراتی از این حیث صورت گرفته است؟ این تغییرات در دوره‌های مختلف انتخابات مجلس چقدر است؟ چه عواملی موجب حدوث تغییرات در انتخاب قطعی شده‌اند؟

۵. میزان مشارکت سیاسی در مرحله دوم انتخابات کاهش داشته است یا با افزایش مواجه بوده است؟ در مقام مقایسه بین مجموع آرای مرحله اول و مجموع آرای مرحله دوم، آیا نوعاً در مرحله دوم انتخابات سطح مشارکت سیاسی شهروندان (مجموع آرای مأخوذه) افزایش می‌یابد یا کاهش دارد؟ چه عواملی در افزایش یا کاهش سطح مشارکت سیاسی شهروندان در مرحله دوم انتخابات دخالت دارند؟

۶. تعداد آرای منتخبین مرحله دوم نسبت به آرای آنها در مرحله اول کاهش داشته یا افزایش یافته است؟ مشهور است که منتخبین مرحله دوم نسبت به منتخبین مرحله اول، معمولاً با تعداد آرای پایین‌تر به عنوان نمایندگی مجلس دست می‌یابند. در مقام مقایسه بین تعداد آرای منتخبین مرحله دوم (مقایسه تعداد آرای آنها در مرحله اول و مرحله دوم)، آیا این دو نوع از آرا با هم تفاوت دارند؟ مجموع آرای مرحله اول بیش‌تر است یا مرحله دوم؟ چه عواملی در این افزایش یا کاهش تعداد آرا دخالت یا مشارکت دارند؟

۷. دامنه جغرافیایی مرحله دوم انتخابات تا چه گسترده بوده است؟ توزیع جغرافیایی حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های مجلس در مرحله اول و دوم انتخابات به چه صورت است؟ چه تعداد از استان‌های کشور در مرحله دوم انتخابات حضور دارند؟

چارچوب اصلی این تحقیق و تقسیم‌بندی مطالب آن بر پایه این هفت محور و مؤلفه اصلی است. تحقیق روی این محورهای اصلی جریان دارد. این محورها به عنوان غلطکی محسوب می‌شوند که پژوهش بر آنها سوار است و بر روی آنها پیش می‌رود. این محورها در واقع سؤالات اصلی و گم‌شده تحقیق محسوب می‌شوند که داده‌های آن جمع‌آوری شده و مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته و پاسخ‌های آن در تحقیق تدارک دیده شده است.

۱. قطعیت نتایج انتخابات

منظور از قطعیت در انتخابات مجلس شورای اسلامی بررسی این نکته است که با توجه به دومرحله‌ای بودن انتخابات، در هر دوره از انتخابات، چه میزان از کرسی‌ها و حوزه‌های انتخابیه در مرحله اول به نتایج قطعی منجر شده و چه میزان از آنها به سبب عدم حصول حدنصاب انتخاباتی به مرحله دوم موکول شده است. مسئله قطعیت یا عدم قطعیت نتایج انتخابات را می‌توان با احصای تعداد کرسی‌ها و حوزه‌هایی که

تکلیف آنها به مرحله دوم موکول شده است، محاسبه کرد. تبعاً هر اندازه، میزان حوزه‌ها و کرسی‌های قطعی یافته در مرحله اول بیش‌تر باشد، قطعی‌ت انتخاباتی بیش‌تر خواهد بود و بالعکس، هر اندازه تعداد حوزه‌ها و کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم بیش‌تر باشد، به همان اندازه از قطعی‌ت نتایج انتخابات در مرحله اول کاسته خواهد شد. البته شاید عنوان کرد که کرسی‌هایی هم که به مرحله دوم موکول می‌شوند، بالاخره در آن مرحله قطعی می‌یابند. لذا مرحله دوم نیز دارای معیارهای قطعی‌ت است. در این خصوص باید گفت که هدف ما از قطعی‌ت انتخاباتی، قطعی‌ت نتایج انتخابات در مرحله اول است. نظر ما این است که برگزاری انتخابات در مرحله اول تا چه حد با نتایج قطعی همراه بوده و مرحله دوم با چه میزان از کرسی‌ها و حوزه‌های انتخابیه برگزار شده است.

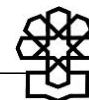
۱-۱. تأثیر حدنصاب انتخاباتی

سه حدنصابی که از اولین دوره تا دهمین دوره انتخابات مجلس مورد عمل قرار گرفته‌اند، به تناسب «صعوبت» یا «سهولت» حصول، توانسته‌اند بر قطعی‌ت نتایج انتخابات تأثیر بگذارند، هر چند که میزان این تأثیر نه تنها از یک حدنصاب به حدنصاب دیگر متفاوت بوده است، بلکه از یک دوره انتخابات به دوره دیگر نیز، علی‌رغم اعمال حدنصاب انتخاباتی مشابه و واحد، تفاوت داشته است.

جدول ۱. وضعیت کرسی‌ها و حوزه‌های انتخابیه مجلس اول تا دهم از لحاظ قطعی‌ت و عدم قطعی‌ت

ردیف حدنصاب انتخاباتی	دوره مجلس	کل		حوزه‌ها و کرسی‌های مرحله اول						حوزه‌ها و کرسی‌های مرحله دوم	
		کل	مجلس	قطعی		متوقف		باطل/رد		متوقف	
				کرسی	حوزه	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه
مطلق	۱	۱۹۳	۲۷۰	۶۴	۸۹	۸	۹	۹	۱۰	۱۰۱	۱۳۲
	۲	۱۹۳	۲۷۰	۱۰۲	۱۲۱	۰	۰	۱۲	۱۹	۸۸	۱۲۵
یک‌سوم	۳	۱۹۶	۲۷۰	۱۳۷	۱۷۷	۰	۰	۱۲	۱۲	۵۲	۷۷
	۴	۱۹۶	۲۷۰	۱۲۰	۱۳۳	۰	۰	۳	۳	۷۴	۱۲۶
	۵	۱۹۶	۲۷۰	۱۱۸	۱۳۲	۰	۰	۷	۷	۶۹	۱۱۶
یک‌چهارم	۶	۲۰۷	۲۹۰	۱۵۹	۲۱۱	۰	۰	۹	۱۱	۴۹	۶۴
	۷	۲۰۷	۲۹۰	۱۷۹	۲۲۹	۱	۱	۳	۳	۳۴	۵۳
	۸	۲۰۷	۲۹۰	۱۶۹	۲۰۶	۰	۰	۲	۲	۵۱	۷۹
	۹	۲۰۷	۲۹۰	۱۸۸	۲۲۳	۰	۰	۲	۲	۳۲	۶۳
	۱۰	۲۰۷	۲۹۰	۱۶۳	۲۲۱	۰	۰	۱	۱	۵۲	۶۵

توضیح: در این جدول تغییراتی که بعداً به مناسبت ابطال نتایج، عدم تأیید آراء، رد اعتبارنامه، انصراف یا فوت منتخبین (تا زمان بررسی اعتبارنامه‌ها) در ترکیب نمایندگان مجلس ایجاد شده است، در ستون «باطل/رد» محاسبه شده است.



اکثریت مطلق: حدنصاب اکثریت مطلق در میان حدنصاب‌های معمول در انتخابات مجلس، دشوارترین حدنصاب محسوب می‌شود. کسب بیش از نصف آرای دهندگان در انتخاباتی که با تعدد و تکرار داوطلبان همراه است، کار فوق‌العاده دشواری است. از طرف دیگر، این حدنصاب نوعاً با نظام اکثریت دوم‌مرحله‌ای همخوانی دارد. به عبارت دیگر، در انتخابات پارلمانی، زمانی که حدنصاب مقرر برای پیروزی در انتخابات، اکثریت مطلق قید شود، یقیناً برگزاری مرحله دوم امری مسلم و محتوم خواهد بود.^۱

انتخابات اولین و دومین دوره مجلس با حد نصاب اکثریت مطلق برگزار شده است. تعداد حوزه‌ها و کرسی‌هایی که در این دو دوره از انتخابات به مرحله دوم راه‌یافته‌اند، باید بیش‌تر از سایر دوره‌های انتخاباتی مجلس باشد. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه حدنصاب اکثریت مطلق دشوارترین حدنصاب در میان حدنصاب‌های معمول است، تبعاً حصول آن دشوار بوده و در نتیجه به سبب عدم کسب این حدنصاب، تعداد زیادی از کرسی‌ها به مرحله دوم موکول خواهند شد. با این حال، انتخابات مرحله دوم در مجلس اول برای انتخاب ۱۴۵ نماینده در ۱۱۴ حوزه انتخابیه و در مجلس دوم برای انتخاب ۱۳۰ نماینده در ۹۳ حوزه انتخابیه برگزار شده است. آمار کرسی‌ها و حوزه‌ها در مرحله دوم اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، با وجود اینکه از آن زمان تاکنون نه دوره انتخابات برگزار شده است، هنوز تکرار نشده و این امر نشان از تأثیر حدنصاب بر قطعیت نتایج انتخاباتی دارد.

اکثریت یک‌سوم: میزان بالای عدم قطعیت نتایج انتخاباتی با محوریت حدنصاب اکثریت مطلق، یکی از عمده دلایل کاهش حدنصاب انتخاباتی از اکثریت مطلق به اکثریت یک‌سوم بود. از آنجا که حدنصاب یک‌سوم در قیاس با اکثریت مطلق، سهولت حصول بیش‌تری دارد، لذا قابل پیش‌بینی است که آمار کرسی‌ها و حوزه‌هایی که در سومین دوره انتخابات مجلس به مرحله دوم راه‌یافته‌اند، نسبت به دو دوره انتخاباتی گذشته، به مراتب کم‌تر باشد و بر قطعیت نتایج انتخابات در مرحله اول افزوده شود. همین امر اتفاق افتاد: مرحله دوم سومین دوره انتخابات مجلس در ۵۱ حوزه انتخابیه برای انتخاب ۸۱ نماینده برگزار شد که نسبت به انتخابات مجلس اول و دوم کاهش چشمگیر را نشان می‌دهد.

با این حال، این حدنصاب در انتخابات مجالس چهارم و پنجم آثار و پیامدهای کاملاً متفاوت بر جای گذاشت. مرحله دوم چهارمین دوره انتخابات مجلس در ۸۱ حوزه انتخابیه برای انتخاب ۱۳۳ نماینده و مرحله دوم پنجمین دوره انتخابات مجلس در ۷۹ حوزه انتخابیه برای انتخاب ۱۲۹ نماینده برگزار شد. این نتایج بیش‌تر شبیه نتایج اکثریت مطلق است تا اکثریت یک‌سوم. حصول نتایج مشابه با اکثریت مطلق از حدنصاب اکثریت یک‌سوم، احتمالاً به تفاوت در بستر سیاسی این دو دوره از انتخابات مربوط باشد.

۱. این حتمیت در انتخابات پارلمانی مد نظر است که متشکل از حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های رقابتی متعدد است، نه در انتخابات ریاست‌جمهوری. در یازده دوره انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ایران که با حدنصاب اکثریت مطلق برگزار شده است، فقط در یک دوره اعمال حدنصاب اکثریت مطلق نتیجه انتخابات را به مرحله دوم موکول کرده است (نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری).

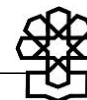
اکثریت یک‌چهارم: با تنزل اشتراط مجدد از اکثریت یک‌سوم به اکثریت یک‌چهارم، در انتخابات ششمین دوره مجلس، سهولت حصول حدنصاب انتخاباتی مقرر، مجدداً توانست بر تعداد کرسی‌ها و حوزه‌های راه‌یافته به مرحله دوم تأثیر بگذارد و قطعیت انتخاباتی را در مرحله اول بیش از آنچه که در انتخابات مجالس قبلی وجود داشت، تضمین کند. برخلاف حدنصاب یک‌سوم که در یک دوره از انتخابات تأثیر مثبت بر قطعیت نتایج مرحله اول داشت، ولی در دو دوره بعدی، تأثیر آن از حد پیش‌بینی خارج شد، تأثیر حدنصاب یک‌چهارم بر قطعیت نتایج، از ششمین دوره انتخابات تاکنون که شاهد برگزاری دهمین دوره انتخابات بودیم، تقریباً به یک اندازه بوده است. تعداد کرسی‌هایی که در این پنج دوره از انتخابات به مرحله دوم راه‌یافته‌اند، از ۸۲ کرسی در مجلس هشتم تا ۵۷ کرسی در مجلس هفتم در نوسان است. به هر حال، اکثریت یک‌چهارم تأثیر خود را بر بهبود قطعیت نتایج در این ۵ دوره از انتخابات گذاشته است و آمار نشان می‌دهد که تعداد کرسی‌های قطعیت‌یافته در مرحله اول این ۵ دوره، در قیاس با دوره‌های قبل افزایش محسوس داشته است.

۲-۱. تأثیر سایر عوامل مؤثر

همچنان‌که نقش پررنگ و مستقیم حدنصاب انتخاباتی را نباید در میزان قطعیت نتایج نادیده گرفت، عوامل دیگری نیز به شکل غیر مستقیم در آن دخیل هستند: بستر سیاسی حاکم و رفتار رأی‌دهندگان، تعداد نامزدهای رقیب در انتخابات و اندازه حوزه‌های انتخابیه از این قبیل هستند.

نقش بستر سیاسی و رفتار رأی‌دهندگان: انتخابات عمومی در کشور ما، شدیداً نامزدمحور است. به جای اینکه در انتخابات احزاب سیاسی، برنامه‌ها و سیاست‌های آنها مد نظر رأی‌دهندگان و ارائه سیاست خوب ملاک گزینش باشد، بیش‌تر شخصیت و ویژگی‌های شخصی نامزدها ملاک انتخاب است. این رفتار توانسته است بر قطعیت نتایج انتخابات تأثیر منفی بگذارد.

نتایج حاصل از تحقیق ما در مورد بستر سیاسی، مخصوصاً در حوزه انتخابیه تهران، که کارکرد حزبی در انتخابات مجلس تاکنون خود را در این حوزه بیش‌تر نشان داده است، گویای این است که در هر دوره از انتخابات مجلس، که انتخابات به صورت چند حزبی برگزار شده است، به علت تشتت آرای و توزیع آرا بین طیف‌های متعدد، قطعیت نتایج کاهش یافته است. با این حال، در هر دوره از انتخابات که احزاب سیاسی سیاستی را ارائه کرده و به تناسب آن لیست حزبی روی میز انتخابات گذاشته‌اند، این سیاست مورد اقبال رأی‌دهندگان قرار گرفته و آنها را به رفتار «رأی به سیاست حزبی» یا «رأی به حزب» و جدیداً «رأی به لیست» مجبور کرده است. این رفتارها، در قیاس با رفتار «رأی به نامزد» تأثیر بسیار مثبتی بر قطعیت نتایج انتخابات داشته است. جدول زیر ادوار مختلف انتخابات مجلس از این رویکرد و تأثیر آن بر میزان قطعیت نتایج انتخابات را نشان می‌دهد.



جدول ۲. تأثیر بستر سیاسی و رفتار رأی‌دهندگان بر قطعیت نتایج انتخابات

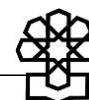
نتیجه	وضعیت کرسی‌ها		رفتار رأی‌دهی		بستر سیاسی		دوره	حد نصاب
	غیر قطعی	قطعی	کشور	تهران	تهران	کشور		
کاهش قطعیت	۱۴۸	۹۹	رأی به نامزد	رأی به نامزد	چند حزبی	چند حزبی	اول	مطلق
افزایش قطعیت	۱۳۰	۱۴۰	رأی به نامزد	رأی به نامزد	تک حزبی	نامزد محور	دوم	
افزایش قطعیت	۸۱	۱۸۹	رأی به نامزد	رأی به نامزد	تک حزبی	نامزد محور	سوم	یک سوم
کاهش قطعیت	۱۳۳	۱۳۷	رأی به نامزد	رأی به نامزد	دوقطبی	دوقطبی	چهارم	
کاهش قطعیت	۱۲۳	۱۴۷	رأی به نامزد	رأی به نامزد	دوقطبی	دوقطبی	پنجم	
افزایش قطعیت	۶۸	۲۲۲	رأی به راهبرد	رأی به راهبرد	چند حزبی	چند حزبی	ششم	
افزایش قطعیت	۵۷	۲۳۲	رأی به نامزد	رأی به نامزد	تک قطبی	تک قطبی	هفتم	یک چهارم
کاهش قطعیت	۸۲	۲۰۸					هشتم	
افزایش قطعیت	۶۵	۲۲۵					نهم	
کاهش قطعیت	۶۸	۲۲۲					دهم	

نقش تعداد نامزدها: مطابق جدول ۳ در هر دوره که تعداد نامزدها نسبت به دوره قبل افزایش یافته است، به علت توزیع و سرشکن شدن آرای عمومی بین نامزدها، از قطعیت نتایج کاسته شده و تعداد کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم افزایش یافته است. برعکس، در هر دوره که تعداد نامزدها نسبت به دوره قبل کاهش یافته است، به علت انحصار آرای عمومی به تعداد کم‌تری از نامزدها، قطعیت نتایج افزایش یافته و از تعداد کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم کاسته شده است. فقط در سه مورد تأثیر تعداد نامزدها بر قطعیت نتایج خنثی شده است: در سومین و ششمین دوره انتخابات تغییر حدنصاب انتخاباتی و در پنجمین دوره انتخابات بستر سیاسی حاکم موجب شده است که علی‌رغم افزایش یا کاهش تعداد نامزدها نسبت به دوره قبل، نتایجی برخلاف انتظار ما حاصل شود.

جدول ۳. تأثیر تعداد نامزدها بر قطعیت نتایج انتخابات

حداکثر	دوره	تعداد نامزدها	کرسی‌های قطعیت یافته در مرحله اول	کرسی‌های راه یافته به مرحله دوم	نتیجه
مطلق	اول	۲۰۰۰	۹۷	۱۴۵	افزایش نامزدها - کاهش قطعیت نتایج
	دوم	۱۲۷۵	۱۴۰	۱۳۰	کاهش تعداد نامزدها - افزایش قطعیت نتایج
یک سوم	سوم	۱۶۱۵	۱۸۹	۸۱	به دلیل تغییر حدنصاب، تأثیری نداشته است
	چهارم	۲۳۱۰	۱۳۷	۱۳۳	افزایش نامزدها - کاهش قطعیت نتایج
	پنجم	۳۲۷۹	۱۴۷	۱۲۳	به دلیل تأثیر بستر سیاسی، تأثیری نداشته است
یک چهارم	ششم	۵۹۷۷	۲۲۲	۶۸	به دلیل تغییر حد نصاب، تأثیری نداشته است
	هفتم	۴۲۲۱	۲۳۲	۵۷	کاهش تعداد نامزدها - افزایش قطعیت نتایج
	هشتم	۴۷۵۵	۲۰۸	۸۲	افزایش نامزدها - کاهش قطعیت نتایج
	نهم	۳۴۴۴	۲۲۵	۶۵	کاهش تعداد نامزدها - افزایش قطعیت نتایج
	دهم	۶۳۰۰	۲۲۲	۶۸	افزایش نامزدها - کاهش قطعیت نتایج

نقش اندازه حوزه‌های انتخابیه: جدول ۴ نشان می‌دهد که هر چه حدنصاب انتخاباتی صعب‌الحصول بوده است، نتایج انتخابات در اکثر قریب به اتفاق حوزه‌های انتخابیه بزرگ با عدم قطعیت مواجه شده است. در دوره اول و دوم انتخابات مجلس با حدنصاب اکثریت مطلق به ترتیب در ۴ و ۲ حوزه انتخابیه بزرگ تمامی کرسی‌های متعلقه قطعیت یافته‌اند، اما هر چه حدنصاب انتخاباتی تنزل و تخفیف یافته است، انتخابات در تعداد بیش‌تری از حوزه‌های انتخابیه بزرگ و چند نماینده، قطعیت یافته است. در مقایسه آمار مجالس سوم تا پنجم (با اکثریت یک‌سوم) با مجالس ششم تا دهم (با اکثریت یک‌چهارم) این مطلب ثابت می‌شود.



جدول ۴. وضعیت حوزه‌های انتخابیه چند نماینده از لحاظ قطعیت نتایج انتخابات

دوره مجلس	کل حوزه‌های بزرگ		حوزه‌های کاملاً قطعی		حوزه‌های کاملاً غیرقطعی		حوزه‌هایی که بیش از نصف کرسی‌ها قطعی شده است		حوزه‌هایی که بیش از نصف کرسی‌ها قطعی نیافته است		جمع حوزه‌های غیرقطعی	
	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه
اول	۱۰۸	۳۲	۴	۸	۱۲	۲۷	۱۰	۳۲	۱۲	۲۰	۲۸	۵۵
دوم			۲	۴	۱۳	۳۳	۱۴	۲۱	۱۳	۳۲	۳۰	۶۹
سوم	۱۰۲	۲۹	۱۴	۳۲	۳	۹	۹	۱۲	۱۱	۳۲	۱۵	۴۲
چهارم			۶	۱۲	۹	۲۶	۸	۸	۱۴	۴۹	۲۳	۷۵
پنجم			۷	۱۴	۸	۲۴	۹	۱۰	۱۳	۴۸	۲۲	۷۳
ششم	۱۲۱	۳۵	۱۵	۳۵	۷	۱۷	۱۱	۴۲	۹	۱۳	۲۰	۳۵
هفتم			۱۴	۶۱	۶	۱۷	۱۰	۱۲	۱۳	۲۰	۲۱	۳۹
هشتم			۱۲	۲۶	۶	۱۵	۱۴	۲۷	۱۴	۲۱	۲۳	۵۱
نهم			۱۷	۳۷	۲	۴	۱۲	۲۳	۱۱	۴۰	۱۸	۵۰
دهم			۱۶	۶۷	۷	۱۵	۹	۱۴	۸	۱۳	۱۹	۳۲

آمار فوق همچنین نشان می‌دهند که در هر دوره از انتخابات مجلس، همواره اکثر حوزه‌های انتخابیه بزرگ به مرحله دوم راه یافته‌اند. بیش‌ترین میزان در انتخابات دومین دوره مجلس اتفاق افتاده که در آن از ۳۲ حوزه انتخابیه چند نماینده، نتایج ۳۰ حوزه با عدم قطعیت مواجه شده است. کم‌ترین میزان نیز در انتخابات دوره سوم روی داده که در آن از بین ۲۹ حوزه انتخابیه چند نماینده، نتایج ۱۵ حوزه با عدم قطعیت مواجه شده است.

تأثیر نحوه ترسیم حوزه انتخابیه بر قطعیت یا عدم قطعیت نتایج انتخابات یک تأثیر نسبی است و نمی‌توان ادعا کرد که حتماً در حوزه‌های انتخابیه کوچک یا بزرگ، نتیجه انتخابات در مرحله اول قطعیت خواهد یافت و یا به مرحله دوم کشیده خواهد شد. اما، واقعیت این است که در حوزه‌های انتخابیه چند نماینده، به واسطه اینکه تعداد نمایندگان مورد نیاز برای آن حوزه بیش از یک نماینده است و با این احتمال که توزیع آرای رأی‌دهندگان بین نامزدها برابر نخواهد بود و آرای تک‌نامی که برخی از رأی‌دهندگان به برخی نامزدهای مشهور و مورد حمایت می‌دهند، سطح برخورداری نامزدها از آرای رأی‌دهندگان را مختلف و متفاوت خواهد کرد، انتظار بر این است که همواره درصد خاصی از حوزه‌های انتخابیه چند نماینده و بزرگ به مرحله دوم راه یابند.

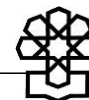
با توجه به دلایل فوق و پذیرش این امر که حوزه‌های انتخابیه چند نماینده بیش‌تر از حوزه‌های تک‌نماینده مستعد راهیابی به مرحله دوم هستند، باید آثار و تبعات این حوزه‌ها بر نتایج انتخابات و تعداد کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم در هر دوره از انتخابات روشن شود.

جدول ۵. تأثیر اندازه حوزه‌های انتخابیه بر میزان قطعیت نتایج انتخابات

حد نصاب	دوره مجلس	کل حوزه‌های راه‌یافته به مرحله دوم		تعداد حوزه‌های چند نماینده راه‌یافته به مرحله دوم		کل حوزه‌های چند نماینده از کل حوزه‌های راه‌یافته به مرحله دوم	
		کرسی	حوزه	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه
مطلق	اول	۱۴۵	۱۱۴	۵۵	۲۷	۳۸	۲۳
	دوم	۱۳۰	۹۳	۶۹	۳۰	۵۳	۳۲
یک‌سوم	سوم	۸۱	۵۵	۴۲	۱۵	۵۲	۲۷
	چهارم	۱۳۳	۸۱	۷۵	۲۳	۵۶	۲۸
	پنجم	۱۲۳	۷۴	۷۳	۲۲	۶۰	۳۰
یک‌چهارم	ششم	۶۸	۵۳	۳۵	۲۰	۵۲	۳۸
	هفتم	۵۷	۴۰	۳۹	۲۱	۶۹	۵۳
	هشتم	۸۲	۵۴	۵۱	۲۳	۶۲	۴۴
	نهم	۶۵	۳۳	۵۰	۱۸	۷۷	۵۵
	دهم	۶۸	۵۵	۳۲	۱۹	۴۷	۳۵

جدول ۵ آمار قابل تأملی را نشان می‌دهد. در نهمین دوره انتخابات مجلس، ۵۵ درصد حوزه‌ها و ۷۷ درصد کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم، از حوزه‌های چند نماینده بوده است. به عبارت دیگر، از ۳۳ حوزه و ۶۵ کرسی راه‌یافته به مرحله دوم، ۱۸ حوزه و ۵۰ کرسی متعلق به حوزه‌های انتخابیه چند نماینده بوده و فقط ۱۵ حوزه با ۱۵ کرسی به حوزه‌های تک‌نماینده مربوط است. با توجه به تفاوت قطعیت نتایج انتخابات در حوزه‌های چندنماینده و تک‌نماینده، قطعاً اگر همه حوزه‌های انتخابیه، حوزه‌های تک‌نماینده بودند، آمار کرسی‌ها و حوزه‌ها به میزان قابل توجهی کاهش می‌یافت و قطعیت نتایج انتخابات استحکام بیش‌تری می‌گرفت.

از طرف دیگر، با ملاحظه داده‌های جدول ۵ مشخص می‌شود که هر چه حدنصاب انتخاباتی دشوار بوده است، تعداد بیش‌تری از حوزه‌های چندنماینده به مرحله دوم راه یافته است. سهم حوزه‌های انتخابیه چندنماینده از حوزه‌ها و کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم مخصوصاً در پنج دوره اخیر - با اکثریت یک‌چهارم - نسبت به دوره‌های سوم، چهارم و پنجم - با اکثریت یک‌سوم - و نسبت به دوره‌های اول و دوم - با اکثریت مطلق - بیش‌تر است. این امر گویای این است که با تنزل و تخفیف حدنصاب انتخاباتی، کسب حدنصاب در حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده سهولت‌یافته و یکی از نامزدها با کسب این حدنصاب به مجلس راه یافته است. به همین دلیل از انتخابات مجلس اول تا انتخابات مجلس دهم که دو بار با تنزل حدنصاب مواجه بوده‌ایم، از تعداد حوزه‌های تک‌نماینده در مرحله دوم کاسته شده است. بر عکس، با تنزل حدنصاب، به علت تشنگ آرا در حوزه‌های انتخابیه چندنماینده، کسب حدنصاب (حتی حدنصاب آسانی مثل اکثریت یک‌چهارم) دشوار



بوده و با نزدیک شدن به دوره‌های اخیر انتخابات مجلس، این حوزه‌های انتخابیه چندنماینده بوده‌اند که اکثریت قریب به اتفاق حوزه‌های راه‌یافته به مرحله دوم را تشکیل داده‌اند.

۲. تناسب انتخاباتی

انتخابات با تناسب کامل، انتخاباتی است که در آن هر حزب یا نامزد، به تناسب سهم واقعی خود از آرای عمومی، برنده کرسی نمایندگی شود. کمال مطلوب این است که حزبی که مثلاً ۴۵ درصد آرا را کسب کرده است، ۴۵ درصد کرسی‌ها را تصاحب کند و حزبی که ۵ درصد آرا را کسب کرده است، بتواند ۵ درصد کرسی‌ها را به‌دست آورد و قس علیهذا. بنابراین، «عدم تناسب»^۱، به درجه‌ای اشاره دارد که بر اساس آن نتایج واقعی انتخابات از این ایدئال منحرف می‌شود. در مقابل، «صل تناسب»^۲ به برابری میزان سهم کرسی احزاب نسبت به میزان آرای مأخوذه آنها اشاره دارد.^۳ به عبارت دیگر، اصل تناسب به دنبال این است که بررسی کند آیا سهم کرسی برنده شده توسط هر حزب در پارلمان با سهم آن از آرا مردمی همخوانی دارد یا خیر. زمانی که در توزیع کرسی‌های نمایندگی، اصل تناسب رعایت شود، در این صورت هیچ حزبی نمی‌تواند در پارلمان نمایندگی انحصاری داشته باشد.

۱-۲. شاخص سنجش عدم تناسب انتخاباتی

هر شاخصی که برای اندازه‌گیری عدم تناسب مورد استفاده قرار گیرد، لزوماً به تعداد آرای مأخوذه هر حزب در انتخابات نیاز دارد، در حالی که در اکثر دوره‌های انتخاباتی مجلس، خط‌کشی دقیق و شناخت خط سیاسی نمایندگان دشوار می‌نماید. به همین دلیل، ما برای تعیین تعداد آرای هر حزب در انتخابات، از «متوسط درجه نمایندگی» استفاده کرده‌ایم. برای تعیین متوسط درجه نمایندگی در هر مرحله از انتخابات به شکل زیر عمل کرده‌ایم:

درصد آرای مأخوذه کل نمایندگان آن مرحله، تقسیم بر تعداد منتخبین آن مرحله، مساوی است با متوسط درجه نمایندگی. برای تعیین متوسط سهم هر حزب یا جناح سیاسی از آرا مأخوذه، کافی است تعداد نمایندگان آن حزب یا جناح بر متوسط درجه نمایندگی ضرب شود. برای مثال فرض کنیم نمایندگان منتخب در مرحله اول مجموعاً ۶۰ درصد کل آرا آن مرحله را کسب کرده‌اند و تعداد آنها مثلاً ۱۵۰ نفر است. چنانچه ۶۰ را بر ۱۵۰ تقسیم کنیم، متوسط درجه نمایندگی در آن مرحله ۰/۴ است. یعنی هر نماینده به طور متوسط با کسب ۰/۴ از کل آراء مأخوذه معتبر به مجلس راه یافته است.

1. Disproportionality

2. Proportionality

3. Blais and Maiscott, 1996: 67-72; Lijphart, 1994: 57-77; Taagepara and Shugart, 1989.

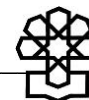
برای تعیین متوسط سهم هر حزب یا جناح سیاسی از آرای مأخوذه، کافی است تعداد نمایندگان آن حزب یا جناح بر متوسط درجه نمایندگی ضرب شود. مثلاً اگر تعداد نمایندگان یک حزب ۴۰ نفر باشد، با ضرب این رقم بر $0/4$ متوسط سهم آن حزب از آرا مأخوذه (۱۶ درصد) به دست می‌آید. درصد هر حزب از کرسی‌های مجلس نیز از طریق تقسیم تعداد کرسی‌های اختصاص یافته بر مجموع کرسی‌های قطعیت یافته در هر مرحله به دست می‌آید. مثلاً اگر کل کرسی‌های قطعیت یافته در مرحله اول ۱۵۰ کرسی باشد و یک حزب ۴۰ کرسی را از بین آنها برنده شده باشد، سهم این حزب از کرسی‌های قطعیت یافته حدود ۴ درصد است.

برای تقویم عدم تناسب انتخاباتی در هر مرحله، سهم هر حزب از کرسی‌های مجلس از سهم آن حزب از متوسط آرا کسر شده و بر ۲ تقسیم می‌شود. عدد حاصل، درجه عدم تناسب آن حزب است. درجه عدم تناسب احزاب با هم جمع شده و تقسیم بر تعداد احزاب می‌شود که رقم حاصل، درجه عدم تناسب انتخاباتی آن مرحله از انتخابات است.

برای محاسبه درجه عدم تناسب کل مجلس (مجموع مرحله اول و دوم) باید سهم احزاب از کل کرسی‌های مجلس را از متوسط سهم آنان از آرا کسر کنیم، لکن از آنجا که میزان مشارکت در مرحله دوم انتخابات همواره، کم‌تر از مرحله اول است، لذا برای جمع متوسط سهم احزاب از آرا، سهم آنان از متوسط آرای مرحله دوم بر دو تقسیم شده و رقم حاصل با متوسط سهم هر حزب از آرا مرحله اول جمع می‌شود. درجه عدم تناسب انتخاباتی هر دوره از مجلس، از جمع درجه عدم تناسب هر حزب در دو مرحله انتخابات و تقسیم آن بر تعداد احزاب به دست می‌آید.

۲-۲. نقش فرمول‌های انتخاباتی در تناسب انتخاباتی

فرمول‌های اکثریتی نوعاً با عدم تناسب انتخاباتی شدید شناخته شده‌اند. با توجه به اینکه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، سابقه‌ای از اعمال فرمول‌های تناسبی وجود ندارد و ده دوره انتخابات نیز با فرمول اکثریتی برگزار شده است، لذا باید نتیجه گرفت که در نتایج انتخابات، همواره به میزان مشخصی عدم تناسب برقرار باشد. با این حال، میزان عدم تناسب بین حدنصاب‌های اکثریت مطلق، یک سوم و یک چهارم متفاوت بوده است. در حالت عادی، همچنان که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، هر چه حدنصاب انتخاباتی دشوارتر باشد، عدم تناسب انتخاباتی کم‌تر خواهد بود. بر عکس، هر چه حدنصاب انتخاباتی تنزل یافته و نصاب لازم پایین‌تر مقرر شود، به همان اندازه درجه عدم تناسب افزایش خواهد یافت. البته در بررسی و تحلیل نتایج حاصله از تحقیق، مشخص می‌شود که یک ارتباط قوی بین عدم تناسب و نمایندگی قاطع وجود دارد. به عبارت دیگر، در هر دوره از مجلس که نمایندگی قاطع برقرار بوده، نمایندگی قاطع، درجه عدم تناسب انتخاباتی را افزایش داده است.



جدول ۶. درجه عدم تناسب و وضعیت اصل نمایندگی در ده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

وضعیت اصل نمایندگی	درجه عدم تناسب			دوره مجلس	حدنصاب
	کل دوره	مرحله دوم	مرحله اول		
توزیع نمایندگی مجلس بین احزاب	۳/۲۵	۲/۵	۳/۷۵	اول	اکثریت مطلق
نمایندگی انحصاری	۷/۵	۲۳/۵	۱۸	دوم	
نمایندگی قاطع نسبتاً خفیف	۷	۱۳	۱۳	سوم	اکثریت یک سوم
توزیع نمایندگی مجلس بین طیف‌ها	۵	۱۲/۵	۱۲/۵	چهارم	
توزیع نمایندگی مجلس بین طیف‌ها	۵	۸/۵	۹	پنجم	
نمایندگی انحصاری	۱۹/۵	۱۲	۱۶/۲۵	ششم	اکثریت یک چهارم
نمایندگی انحصاری	۱۸/۷۵	۱۱/۷۵	۱۵/۲۵	هفتم	
نمایندگی قاطع و شدید	۶/۵	۹/۲۵	۱۰/۴۵	هشتم	
نمایندگی قاطع و شدید	۶/۵	۹	۱۰/۵	نهم	
توزیع نمایندگی مجلس بین طیف‌ها	۵/۷۵	۸/۲۲	۱۰/۴۱	دهم	

اکثریت مطلق: در حدنصاب اکثریت مطلق به دلیل اینکه منتخبین با کسب تعداد بیش‌تری از آرا به مجلس راه می‌یابند، نسبت بین سهم از آرا و سهم از کرسی‌ها تا حدودی متعادل‌تر بوده و درجه عدم تناسب انتخاباتی کم‌تر است. اولین دوره مجلس شورای اسلامی که با اکثریت مطلق برگزار شده است، به لحاظ اینکه کرسی‌های مجلس بین احزاب با ایدئولوژی‌های مختلف توزیع شده است، در میان دوره‌های ده گانه مجلس، کمترین میزان عدم تناسب انتخاباتی را رقم زده است. تناسب بین کرسی‌ها و متوسط آراء، در این دوره از مجلس نسبت به سایر دوره‌ها بیشتر بوده است.

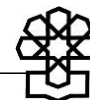
با این حال، دومین دوره مجلس که همانند مجلس اول با اکثریت مطلق برگزار شده است، از لحاظ درجه عدم تناسب با مجلس اول تفاوت چشمگیر دارد. دلیل افزایش عدم تناسب انتخاباتی در این دوره از مجلس، به بستر سیاسی حاکم که در آن، با کنار رفتن نیروهای لیبرال و گروه‌های چپ و التقاطی، رقابت انتخاباتی منحصراً به نیروهای انقلابی (مجموع در دو حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز) اختصاص یافته است و این جریان در مجلس دوم به یک نمایندگی قاطع دست یافته است، مربوط می‌شود. البته به نظر می‌رسد حدنصاب انتخاباتی در این نمایندگی قاطع تأثیر نداشته باشد، بلکه این نوع نمایندگی از بستر سیاسی ناشی شده است. چنانچه بستر سیاسی برای همه احزاب و گروه‌ها جهت رقابت مساعد بود و احزاب سیاسی دست به تحریم انتخابات نمی‌زدند، در این صورت، مجلس دوم نیز از حالت تک‌حزبی و یکدستی خارج شده و درجه عدم تناسب انتخاباتی در این دوره نیز به میزان دوره قبل، کاهش می‌یافت.

اکثریت یک‌سوم: در سومین دوره انتخابات مجلس، با کاهش حدنصاب، قاعداً باید انتظار داشت که عدم تناسب افزایش یابد. درجه عدم تناسب در این دوره از مجلس ۷ درصد است که در قیاس با مجلس اول حدود ۴ درصد افزایش یافته است. اگر چه عدم تناسب این دوره در قیاس با دوره دوم حدود نیم درصد کاهش دارد، لکن دوره سوم را از لحاظ عدم تناسب نباید با دوره دوم مقایسه کرد. زیرا در دوره دوم افزایش عدم تناسب انتخاباتی با نمایندگی انحصاری حاکم بر این مجلس مرتبط است، نه فرمول انتخاباتی.

مجالس چهارم و پنجم، از لحاظ تمامی آثار و پیامدهای فرمول انتخاباتی، مشابهت فراوانی با هم دارند. همچنان که در بخش قبلی اشاره شد، میزان قطعیت نتایج انتخابات نیز در این دو دوره با هم مشابهت دارد. از طرف دیگر، با اینکه انتخابات این دو مجلس، با اکثریت یک‌سوم برگزار شده است، لکن آثار و نتایج آن شباهت فراوانی با آثار اکثریت مطلق دارد. در بحث میزان قطعیت نتایج نیز همین امر اتفاق افتاده است و ما اشاره کردیم که این دو مجلس با مجلس سوم از لحاظ آثار تفاوت دارد و آثار و نتایج آن بیش‌تر شبیه به مجالس اول و دوم است. در بحث عدم تناسب انتخاباتی نیز، همچنان که میزان عدم تناسب در هر دو دوره مجلس برابر است، این میزان بیش‌تر به نتایج حدنصاب اکثریت مطلق شبیه است.

دلیل این امر را می‌توان به شباهت بستر سیاسی حاکم بر انتخابات دوره اول و چهارم و پنجم معطوف کرد. بستر سیاسی حاکم بر انتخابات مجالس چهارم و پنجم، همانند بستر سیاسی مجلس اول، متکثر و (اگر نگوئیم چندحزبی) دوقطبی است. خط‌کشی بین جناح راست و جناح چپ در انتخابات مجلس چهارم و پنجم (مخصوصاً بعد از رحلت حضرت امام (ره)) واضح‌تر و مشهودتر است و از این لحاظ توزیع کرسی‌های مجلس بین این دو جناح، مجلس را از نمایندگی قاطع خارج ساخته و مانع از افزایش عدم تناسب انتخاباتی شده است، در حالی که در مجلس سوم، با انحلال حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، بر تک‌قطبی بودن فضای سیاسی که در مجلس دوم اختصاص به حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز داشت، افزوده شد و اگر چه مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز منشعب شد، در انتخابات مجلس سوم، خط‌کشی سیاسی بین اعضای این دو جناح وضوح کم‌تری داشت و با اینکه کرسی‌های مجلس بین این دو جناح توزیع شد، این خط‌کشی‌ها بعد از شکل‌گیری مجلس صورت گرفت و در آستانه انتخابات وضوح کم‌تری داشت. بنابراین، بستر سیاسی حاکم بر انتخابات مجلس سوم، هنوز به بستر سیاسی مجلس دوم شباهت دارد و شباهت آثار و پیامدهای حدنصاب انتخاباتی نیز در همین راستا تحلیل می‌شود.

اکثریت یک‌چهارم: در مجلس ششم، تنزل حدنصاب انتخاباتی به یک‌چهارم از یک سو و توزیع انحصاری کرسی‌های مجلس در بین احزاب جریان اصلاح‌طلب، عدم تناسب انتخاباتی را به حد اعلی رساند. قبلاً در دومین دوره انتخابات مجلس ملاحظه شد که اعطای نمایندگی انحصاری به یک حزب و تشکیل مجلس یک‌دست چگونه بر عدم تناسب انتخابات تأثیر گذاشت و عملکرد حدنصاب اکثریت مطلق



را خنثی کرد. در دوره ششم، اتفاقاً نمایندگی قاطع و انحصاری اصلاح‌طلبان از فرمول انتخاباتی ناشی شده است. زیرا بر خلاف دوره دوم مجلس که رقابت در آن تک‌حزبی بود، در این دوره، احزاب جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب رو در روی هم قرار گرفته‌اند و این نظام اکثریت بوده است که به احزاب اکثریت (اصلاح‌طلبان) در مجلس ششم نمایندگی قاطع بخشیده است.

مجلس هفتم نیز سرنوشتی مانند مجلس ششم دارد و یک مجلس یک‌دست بوده و اکثریت حاکم بر آن دارای نمایندگی انحصاری است، با این تفاوت که در این مجلس جریان اصولگرا دارای نمایندگی انحصاری است. اگر نمایندگی انحصاری اصلاح‌طلبان در مجلس ششم ناشی از فرمول اکثریتی بود، نمایندگی انحصاری اصولگرایان در مجلس هفتم و سپس نمایندگی قاطع و شدید آنان در مجالس هشتم و نهم، ناشی از فرمول اکثریتی نیست، بلکه منتج از بستر سیاسی بوده است. به همین دلیل درجه عدم تناسب بین دو مجلس با دو نوع نمایندگی انحصاری متفاوت است. در انتخابات مجلس دهم، از آنجا که هیچ حزب یا جریانی نتوانسته است به نمایندگی قاطع دست یابد، درجه عدم تناسب انتخاباتی فروکش کرده است.

۳. درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی

منظور از درجه نمایندگی یا پشتوانه مردمی این است که مجلس برآمده از فرمول انتخاباتی، با کسب چه میزان از آرای عمومی شکل گرفته است. نمایندگان مجلس با کسب چند درصد از آرای شهروندان به مجلس راه یافته‌اند و چند درصد از آرای رأی‌دهندگان، بلاثر مانده و کرسی نمایندگی مجلس از آنها دریغ شده است. هر چه تعداد آرای نماینده منتخب بیش‌تر باشد و با آرای بیش‌تری برای نمایندگی انتخاب شود، درجه نمایندگی آن بیش‌تر خواهد بود. این موضوع در کلیت مجلس نیز قابل بررسی است: هر چه درجه نمایندگی نمایندگان مجلس بیش‌تر باشد، پشتوانه مردمی و اقتدار (و شاید مشروعیت سیاسی) مجلس بیش‌تر خواهد بود.

گزینش یک فرمول انتخاباتی نامناسب می‌تواند مشروعیت نهادها را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، سنای استرالیا بین سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۶ از طریق یک نظام انتخاباتی شدیداً تناسبی (رأی جایگزین در حوزه‌های انتخابیه چندنماینده) انتخاب می‌شد که تا حدود زیادی اصل نمایندگی را منحرف و مخدوش کرده بود و فاقد حمایت مردمی و سیاسی بود، حال آنکه با اصلاح فرمول انتخاباتی در سال ۱۹۴۸ و اتخاذ یک فرمول تناسبی متعادل (تک‌رأی قابل انتقال) حمایت از دست‌رفته‌اش را بازیافت.^۱

1. Electoral System Design: The New International IDEA Handbook, International Institute for Democracy and Electoral Assistance 2005. P. 14.

۱-۳. شاخص درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی

بر خلاف ارزیابی عدم تناسب انتخاباتی که شاخص‌های فراوانی برای آن وجود دارد، برآورد سهم هر نماینده منتخب از کل آرای حوزه مربوطه می‌تواند به عنوان مبنایی برای ارزیابی درجه نمایندگی قرار گیرد. برای این کار، آرای مأخوذه نماینده منتخب (مثلاً ۹۰۰ رأی) از کل آرای صحیح حوزه مربوطه (مثلاً ۱۰۰۰ رأی) کسر می‌شود. رقم حاصل (۱۰۰ رأی) در واقع آرای بلااثر است که چنانچه بر کل آرای مأخوذه تقسیم شده و بر عدد ۱۰۰ ضرب شود (۱۰۰ تقسیم بر ۱۰۰۰ ضرب در ۱۰۰ مساوی است با ۱۰) درصد آرای بلااثر حاصل می‌شود. اگر آراء مأخوذه هر نماینده (۹۰۰ رأی) را بر کل آرای صحیح حوزه (۱۰۰۰ رأی) تقسیم کرده و بر عدد ۱۰۰ ضرب کنیم، درجه نمایندگی هر نماینده (۹۰ درصد) حاصل می‌شود.

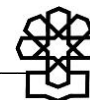
از همین روش ساده برای تخمین درجه نمایندگی کلیت مجلس نیز می‌توان استفاده کرد: مجموع آرای همه نمایندگان منتخب از مجموع آرای صحیح همه حوزه‌ها کسر می‌شود. رقم حاصل تعداد آرای بلااثر مجموع حوزه‌هاست که اگر بر کل آرای صحیح مأخوذه تقسیم شده و بر عدد ۱۰۰ ضرب شود، درصد آرای بلااثر در انتخابات مشخص می‌شود. اگر مجموع آرای مأخوذه نمایندگان بر مجموع آرای صحیح کل حوزه‌ها تقسیم شده و بر عدد ۱۰۰ ضرب شود، درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی مجلس حاصل می‌آید.

با این حال، از طریق محاسبه متوسط درجه نمایندگی و شاخص کل درجه نمایندگی نیز می‌توان به سنجش درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی مجلس و نمایندگان دست یافت. شاخص کل درجه نمایندگی در واقع یک حد مطلوب است. یعنی در مطلوب‌ترین حالت، متوسط سهم هر نماینده از کل آرای مأخوذه به این حد باید برسد. این شاخص به صورت زیر محاسبه می‌شود: عدد ۱۰۰ تقسیم بر تعداد منتخبین هر مرحله از انتخابات.

متوسط درجه نمایندگی نیز میانگینی است که هر نماینده منتخب از کل آرای مأخوذه کسب کرده است. این میانگین به صورت زیر محاسبه می‌شود: درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی مجلس (که در فوق ذکر شد) تقسیم بر تعداد منتخبین هر مرحله از انتخابات. اگر تعداد منتخبین هر مرحله را بر متوسط درجه نمایندگی ضرب کنیم، متوسط درجه نمایندگی مجلس به دست می‌آید.

۲-۳. نقش حدنصاب انتخاباتی

مرز بین فرمول‌های انتخاباتی از لحاظ درجه نمایندگی و وجود آرای بلااثر کاملاً روشن است. در فرمول‌های تناسبی، اصولاً رأی بلااثر ندارد. نمایندگی مجلس به تناسب آرائی است که کسب شده است و هر حزب به تناسب سهمی که از آرای مردمی دارد از کرسی‌های نمایندگی برداشت می‌کند. در فرمول‌های اکثریتی، مخصوصاً در اکثریت ساده، از آنجا که برنده بیش‌ترین آراء، برنده همه کرسی‌های



نماینده‌گی است، به علت وجود آرای بلاثر که غالباً میزان آن از آرای مأخوذه نیز تجاوز می‌کند، درجه نماینده‌گی در حد چشمگیری کاهش می‌یابد. در فرمول اکثریت دومرحله‌ای، درجه نماینده‌گی و میزان آرای بلاثر بستگی به حدنصاب انتخاباتی دارد. هر چه حدنصاب دشوارتر باشد، درصد آرای بلاثر کاهش یافته و درجه نماینده‌گی افزایش می‌یابد و بر عکس، هر چه حدنصاب ساده و رقم آن پایین باشد، درصد آرای بلاثر افزایش یافته و درجه نماینده‌گی کاهش خواهد یافت.

حدنصاب اکثریت مطلق باید بالاترین امتیاز را از لحاظ درجه نماینده‌گی و پشتوانه مردمی به خود اختصاص دهد، زیرا در این حدنصاب، نمایندگان با کسب درصد بیش‌تری از آرا وارد مجلس می‌شوند. در اولین دوره از انتخابات، شاخص کل درجه نماینده‌گی $1/12$ است، یعنی در حالت مطلوب، متوسط سهم هر منتخب مرحله اول از کل آرا باید به این حد می‌رسید، در حالی که متوسط درجه نماینده‌گی $0/70$ است. بین شاخص کل و متوسط درجه نماینده‌گی، $0/42$ انحراف معیار وجود دارد. درصد آرای بلاثر کم‌تر از درصد آرای مأخوذه است. همین وضعیت با اندک تغییرات در دومین دوره انتخابات نیز برقرار است. شاخص کل درجه نماینده‌گی $0/83$ و متوسط درجه نماینده‌گی $0/53$ است، یعنی $0/30$ انحراف معیار وجود دارد. در این دوره نیز درصد آرا بلاثر کم‌تر از درصد آرا مأخوذه است.

با تنزل حدنصاب انتخاباتی در مجلس سوم، شاهد تغییرات در درجه نماینده‌گی هستیم. این حدنصاب به علت سهولت حصول در قیاس با حدنصاب قبلی، قطعاً می‌تواند درجه نماینده‌گی را کاهش دهد، زیرا نمایندگان با کسب درصد پایینی از آرا راهی مجلس خواهند شد. در سومین دوره انتخابات، شاخص کل $0/56$ است و متوسط درجه نماینده‌گی به $0/27$ کاهش می‌یابد. درجه انحراف معیار $0/29$ است. درصد آرای بلاثر با اعمال حدنصاب یک‌سوم، از انتخابات مجلس سوم به بعد از درصد آرا مأخوذه پیشی می‌گیرد. تأثیر حدنصاب کاملاً مشهود است: متوسط درجه نماینده‌گی از $0/53$ در مجلس دوم به $0/27$ در مجلس سوم تنزل می‌یابد.

با این حال، در مورد نتایج انتخابات مجالس چهارم و پنجم دو نکته، که قبلاً نیز ذکر شده، باید مورد اشاره قرار گیرد: اولاً نتایج انتخابات مجالس چهارم و پنجم از لحاظ درجه نماینده‌گی نیز با نتایج انتخابات مجلس سوم متفاوت است و بیش‌تر به نتایج مجالس اول و دوم شباهت دارد. در بررسی سایر آثار و نتایج نیز، این شباهت وجود داشت و قبلاً به آن اشاره شد. ثانیاً همچنان که در بررسی سایر آثار و نتایج ذکر شد، در اینجا نیز نتایج انتخابات مجالس چهارم و پنجم از لحاظ درجه نماینده‌گی شباهت فراوانی دارد. قبلاً گفته شد که دلیل این شباهت‌ها، به شباهت در بستر سیاسی حاکم بر رقابت‌های انتخاباتی مربوط می‌شود. شاخص کل در انتخابات مجلس چهارم $0/75$ و در مجلس پنجم $0/76$ است، در حالی متوسط درجه نماینده‌گی در مجلس چهارم $0/36$ و در مجلس پنجم $0/36$ می‌باشد. این آثار ضمن اینکه با هم شباهت دارند، بیش‌تر با آثار حدنصاب اکثریت مطلق همخوانی دارد، تا آثار حدنصاب اکثریت یک‌سوم.

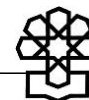
با تنزل مجدد حدنصاب به اکثریت یک‌چهارم در انتخابات مجلس ششم، باز هم باید انتظار داشت که درجه نمایندگی کاهش یابد. همچنان که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، درجه نمایندگی از مجلس ششم تا مجلس دهم، ضمن اینکه نسبت به سایر دوره‌های مجلس کاهش محسوس دارد، در پنج دوره از انتخابات که با حدنصاب اکثریت یک‌چهارم برگزار شده است، نسبتاً رقم واحدی است و در اینجا شاهد اثرگذاری یکسان حدنصاب انتخاباتی بر نتایج انتخابات هستیم. با اعمال این حدنصاب، درصد آرا بلااثر به میزان قابل توجهی نسبت به درصد آرای مأخوذه افزایش یافته است. گویا جای معادلات با هم عوض شده است: در حدنصاب اکثریت مطلق، میزان آرای مأخوذه حدوداً ۶۲ درصد و میزان آرا بلااثر تقریباً ۳۸ درصد بود. ولی در حدنصاب اکثریت یک‌چهارم، موضوع کاملاً برعکس است: میزان آرا بلااثر حدوداً ۶۲ درصد و میزان آرا مأخوذه تقریباً ۳۸ درصد. حدنصاب اکثریت یک‌سوم، تقریباً یک حد وسط است و درصد آرا بلااثر و آرای مأخوذه تقریباً به یک میزان است.

جدول ۷. درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی ادوار اول تا دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی

حدنصاب انتخاباتی	دوره مجلس	شاخص کل درجه نمایندگی		متوسط درجه نمایندگی		درصد آرای بلااثر		درصد آرا مأخوذه	
		مرحله اول	مرحله دوم	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله اول	مرحله دوم
اکثریت مطلق	اول	۱/۱۲	۰/۷۶	۰/۷۰	۰/۴۷	۳۷/۷۹	۳۸	۶۲/۲۱	۶۲
	دوم	۰/۸۳	۰/۸۰	۰/۵۳	۰/۴۲	۳۵/۵۹	۴۷	۶۴/۴۱	۵۳
اکثریت یک‌سوم	سوم	۰/۵۶	۱/۲۹	۰/۲۷	۰/۶۴	۵۳/۲۳	۵۰	۴۷/۶۳	۵۰
	چهارم	۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۳۶	۰/۴۰	۵۳/۶۷	۴۸/۶۶	۴۷/۳۳	۵۱/۳۴
	پنجم	۰/۷۶	۰/۸۶	۰/۳۴	۰/۴۲	۵۵/۵۹	۵۱/۴۴	۴۴/۴۱	۴۸/۵۶
اکثریت یک‌چهارم	ششم	۰/۴۷	۱/۵۶	۰/۱۷	۰/۸۳	۶۳/۸۹	۴۶/۸۰	۳۶/۱۱	۵۳/۲۰
	هفتم	۰/۴۷	۱/۸۹	۰/۱۷	۱	۶۱/۸۲	۵۳	۳۸/۱۸	۴۷
	هشتم	۰/۴۹	۱/۲۷	۰/۱۸	۰/۵۹	۶۲/۷۶	۵۳	۳۷/۲۴	۴۷
	نهم	۰/۴۵	۱/۵۹	۰/۱۷	۰/۷۵	۶۲/۶۹	۵۳	۳۷/۳۱	۴۷
	دهم	۰/۴۵	۱/۵۴	۰/۱۷	۰/۷۸	۶۲/۷۰	۴۹	۳۷/۳۰	۵۱

۳-۳. نزول شأن نامزدها

اگرچه حدنصاب انتخاباتی در تعیین درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی مجلس نقش اساسی را ایفا کرده است، با این حال، همچنان که ذکر شد، در کنار حدنصاب انتخاباتی، برخی عوامل نیز در تحکیم یا کاهش درجه نمایندگی مجلس دخالت داشته‌اند. یکی از این عوامل، نزول شأن نامزدها از اولین دوره انتخابات مجلس تا دهمین دوره است. منظور از شأن نامزدها، اعتبار و شهرت مردمی و توانایی تهییج و تشویق بسیج توده‌های رأی‌دهندگان است.



اصولاً هیچ چیزی مانع از آن نیست که نامزدها بتوانند اقبال و حمایت رأی‌دهندگان را به خود جلب کنند. حتی در یک نظام انتخاباتی با بالاترین یا پایین‌ترین حدنصاب، باز هم امکان کسب کرسی مورد رقابت با بیش‌ترین درجه نمایندگی یا کم‌ترین حد آن وجود دارد. رفتار رأی‌دهندگان، در اینجا میزان درجه نمایندگی را مشخص می‌کند.

جدول ۸. شأن نامزدها به اعتبار کسب حدنصاب‌های انتخاباتی

حد نصاب انتخاباتی	دوره مجلس	تعداد نمایندگان راه‌یافته به مجلس در مرحله اول	تعداد نمایندگان حائز حد نصاب‌های زیر:		
			اکثریت مطلق	اکثریت یک‌سوم	اکثریت یک‌چهارم
اکثریت مطلق	اول	۸۹	۸۹	۰	۰
	دوم	۱۲۱	۱۲۱	۰	۰
اکثریت یک‌سوم	سوم	۱۷۷	۷۳	۱۰۴	۰
	چهارم	۱۳۳	۴۶	۸۹	۰
	پنجم	۱۳۲	۴۸	۸۴	۰
اکثریت یک‌چهارم	ششم	۲۲۱	۳۲	۱۲۴	۶۷
	هفتم	۲۲۹	۴۰	۱۵۳	۳۶
	هشتم	۲۰۶	۳۳	۱۴۷	۲۹
	نهم	۲۲۳	۴۲	۱۷۳	۵۰
	دهم	۲۲۱	۲۸	۱۶۶	۲۷

در انتخابات مجالس اول و دوم با حدنصاب اکثریت مطلق، به ترتیب ۸۹ و ۱۲۱ نماینده توانسته‌اند با کسب اکثریت مطلق راهی مجلس شوند، اتفاقی که در هیچ یک از دوره‌های انتخاباتی بعدی تاکنون تکرار نشده است. در مجلس سوم، ۱۷۷ نماینده در مرحله اول به مجلس راه یافته‌اند که از بین آنها ۷۳ نماینده اکثریت مطلق آرا و ۱۰۴ نماینده دیگر نیز اکثریت یک‌سوم آرا را کسب کرده‌اند. در مجالس بعدی، این آمار رفته رفته کاهش می‌یابد. برای مثال، در دهمین دوره انتخابات، از بین ۲۲۱ نماینده راه‌یافته به مجلس در مرحله اول، فقط ۲۸ نماینده توانسته‌اند اکثریت مطلق آرا را کسب کنند که پایین‌ترین رقم در تاریخ برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی است. در این دوره از انتخابات ۱۶۶ نماینده با اکثریت یک‌سوم و ۲۷ نماینده نیز با اکثریت یک‌چهارم راهی مجلس شده‌اند. اطلاعات در مورد سایر دوره‌های انتخاباتی در جدول ۸ آمده است.

با این آمار، ملاحظه می‌شود که پشتوانه مردمی اولین تا دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، تا چه حد تنزل یافته و هم اکنون شاهد «حاکمیت/اقلیت بر اکثریت» هستیم. مفهوم مردم‌سالاری این است که اکثریت بر اقلیت حاکمیت دارد، در حالی که در انتخابات مجلس، مخصوصاً در پنج دوره قانونگذاری اخیر، قضیه برعکس است. در این ادوار تقنینی، نمایندگان اقلیتی که برگزیده حدود ۳۸

درصد شهروندان (آن هم فقط شهروندان واجد شرایط رأی دادن، نه کل شهروندان) بوده‌اند، بر اکثریت ۶۲ درصدی حاکمیت داشته‌اند. این پدیده یکی از آثار سوء تنزل حدنصاب انتخاباتی در نظام اکثریت دومرحله‌ای است.

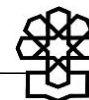
۴. وضعیت انتخاب قطعی در مرحله دوم

پس از اعلام نتایج انتخابات در مرحله اول، در برخی حوزه‌ها، به دلیل وجود شک در کسب عنوان نمایندگی مردم توسط دو یا چند نفر از داوطلبان، قانونگذار برنامه و شخصیت داوطلبان را مجدداً به محک آرای عمومی می‌گذارد. مقصود قانونگذار این است که نامزدی که بیش‌ترین آرا را به‌دست آورده، اما حدنصاب لازم را کسب نکرده است، نمی‌تواند عنوان نمایندگی را کسب کند. قانونگذار بین این نامزد و یک یا چند نامزد دیگری که بعد از این نامزد قرار گرفته‌اند، در کسب نمایندگی حوزه انتخابیه تشکیک می‌کند.

سوالی که در اینجا به ذهن خطور می‌کند این است که نتایج مرحله دوم انتخابات در حوزه‌هایی که مرحله دوم در آنها برگزار شده است، تا چه حد با نتایج انتخابات در مرحله اول متفاوت است؟ آیا در مرحله دوم، برنده کرسی مورد رقابت همان نامزدی بوده است که در مرحله اول بیش‌ترین آرا را کسب کرده است؟ اگر تغییراتی از این حیث ایجاد شده است، تغییرات غالب است یا نادر؟ انتخابات باید اثربخش و معنادار باشد. اصل اثربخشی و فایده‌گرایی ذاتاً و فی‌النفسه برگزاری مرحله دوم را توجیه نمی‌کند. زیرا این اصل اقتضا دارد که انتخابات مرحله اول به‌اندازه‌ای اثربخش باشد که نیازی به برگزاری مرحله دوم نباشد. لکن، از آنجا که حدنصاب‌های اکثریتی عمدتاً با برگزاری مرحله دوم همراه‌اند و قانونگذار قصد دارد که نامزدها در مرحله دوم با نصاب بیش‌تری از آرای مردمی عنوان نمایندگی را کسب کنند، لذا همین امر، برگزاری مرحله دوم انتخابات را توجیه می‌کند.

۴-۱. میزان تغییرات

میزان تغییرات از لحاظ انتخاب قطعی در ده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، در جدول ۹ نشان داده شده است. مطابق این داده‌ها، تغییرات صورت گرفته از لحاظ انتخاب قطعی در هیچ‌کدام از ادوار مجلس چشمگیر نبوده است. بیش‌ترین تغییرات از لحاظ انتخاب قطعی در مرحله دوم انتخابات هفتمین دوره مجلس اتفاق افتاده است. در این دوره، از ۵۳ کرسی قطعیت یافته در مرحله دوم، در ۲۱ کرسی تغییر صورت گرفته و در مورد ۳۲ کرسی باقی‌مانده تغییری از لحاظ انتخاب قطعی صورت نگرفته است. کم‌ترین تغییرات نیز مربوط به مجلس اول است. از ۱۳۲ کرسی قطعیت یافته در مرحله دوم، فقط در



۲۹ کرسی تغییر صورت گرفته و در مورد ۱۰۳ کرسی باقی مانده، منتخبین مرحله دوم همان نامزدهایی بوده‌اند که در مرحله اول نیز در صدر قرار گرفته‌اند.

لذا در همه دوره‌های انتخاباتی، اکثریت چشمگیری از منتخبان مرحله دوم، در واقع نامزدهایی هستند که در مرحله اول نیز از شانس انتخاب شدن برخوردار بوده‌اند. برگزاری انتخابات مرحله دوم در مورد این قسم از منتخبین که در هر دوره بخش اعظمی از منتخبین مرحله دوم را به خود اختصاص داده‌اند، تأثیری در وضعیت آنها نداشته و در هر حال این نامزدها با کسب آرای بیش‌تر از رقبا خود (و شاید کم‌تر از مرحله اول) به مجلس راه یافته‌اند.

سوی این‌که در هیچ یک از دوره‌های انتخاباتی، تغییرات حاصله در انتخاب قطعی چشمگیر نبوده، با این حال، تغییر در ترکیب مجلس که در اثر تغییرات صورت گرفته در انتخاب قطعی، اتفاق افتاده است، روزنه امیدی را برای فایده‌گرا بودن مرحله دوم باز می‌کند. در منابع خارجی از این تغییر تحت عنوان «تعدیل افراط‌گرایی سیاسی» یاد می‌شود. سابقه نظام انتخاباتی دومرحله‌ای مجلس شورای اسلامی نشان داده است که نامزد سرشناسی که دارای سوابق سیاسی و حتی دوره‌های متمادی نمایندگی مجلس بوده‌اند، چگونه در مرحله اول قادر به کسب حدنصاب انتخاباتی نبوده و در مرحله دوم برای انتخاب به رأی‌دهندگان متوسل شده‌اند و حتی در بسیاری از موارد نتوانسته‌اند اقبال عمومی را کسب کنند و از راهیابی به مجلس بازمانده‌اند. اگر انتخابات بدون حدنصاب و با اکثریت نسبی برگزار می‌شد، قطعاً نامزدهای شاخص می‌توانستند با متوسل شدن به قشر کوچکی از رأی‌دهندگان، در هر دوره انتخاباتی ورود خود به مجلس را تضمین کنند، در حالی که عرصه برای نامزدهای گمنام تنگ‌تر می‌شد.

بنابراین، تغییرات حاصله از آن جهت که به تغییر ترکیب منتخبین انجامیده است، دارای اهمیت است. این تغییرات موجب می‌شوند که رأی‌دهندگان به کارکرد نظام انتخاباتی اعتماد و اطمینان داشته باشند، زیرا در مرحله دوم، رأی آنهاست که ترکیب مجلس را مشخص می‌کند. از طرف دیگر، نامزدها را مجبور می‌کند که حداقل به خاطر پیش‌بینی‌های سیاسی آینده و به امید پیروزی در دوره انتخاباتی بعدی، سیاست‌های مردمی را دنبال کنند و همواره در کنار رأی‌دهندگان حوزه مربوطه باشند و خواسته‌های آنان را پیگیری کنند. اصل نمایندگی مسئولانه و پاسخگویانه بر همین امر تأکید دارد.^۱

1. Woodrow Wilson, "responsible Party government," in *Perspectives on Political Parties*, ed. scarrow (New York: Palgrave macmillan, 2002), 164.

جدول ۹. تغییرات در انتخاب قطعی منتخبین مرحله دوم

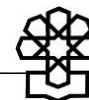
وضعیت منتخبین حائز تغییر در مرحله اول	میزان تغییر در انتخاب قطعی		کل کرسی‌ها و حوزه‌های قطعی شده در مرحله دوم		دوره مجلس	حدنصاب انتخاباتی در مرحله اول
	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه		
برابری نسبی	۲۹	۲۷	۱۳۲	۱۰۱	اول	مطلق
برابری نسبی	۲۲	۲۰	۱۲۵	۸۸	دوم	
برابری نسبی	۲۳	۲۱	۷۷	۵۰	سوم	یک‌سوم
برابری نسبی	۳۳	۳۳	۱۲۶	۷۴	چهارم	
برابری نسبی	۳۹	۳۱	۱۱۶	۶۹	پنجم	
برابری نسبی	۲۷	۲۵	۶۴	۴۹	ششم	یک‌چهارم
برابری نسبی	۲۱	۱۸	۵۳	۳۶	هفتم	
برابری نسبی	۲۷	۲۶	۷۹	۵۱	هشتم	
برابری نسبی	۱۹	۱۹	۶۳	۳۲	نهم	
برابری نسبی	۲۷	۲۶	۶۵	۵۲	دهم	

برای مثال، در دهمین دوره انتخابات مجلس، در مرحله اول اصولگرایان اکثریت کرسی‌های قطعیت یافته در مرحله اول را کسب کردند و اگر مرحله دوم برگزار نمی‌شد، در مجلس دهم دارای اکثریت قاطع بودند، اما در مرحله دوم انتخابات، با تغییر در رفتار رأی‌دهندگان و گرایش آنان به سمت اصلاح‌طلبان، اکثریت کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم، نصیب اصلاح‌طلبان شد. این نتایج موجب شد که در مجلس دهم نه اصلاح‌طلبان و نه اصولگرایان، هیچ‌کدام دارای اکثریت قاطع نباشند. به عبارت دیگر، آرا شهروندان در مرحله دوم، ترکیب و چینش سیاسی مجلس را تغییر داده و تعدیل کرد.

۲-۴. عوامل مؤثر

بخشی از عوامل مؤثر بر تغییر در انتخاب قطعی نامزدها به بررسی رفتار رأی‌دهی جامعه باز می‌گردد که بررسی آن در این مجال ممکن نیست. تحلیل‌های روان‌شناختی و اجتماعی از جامعه و مسائل و موضوعات مطرح در آن می‌تواند در شناخت این رفتار راهگشا باشد. اما برخی از عوامل عینی که مستقیماً به مقوله انتخابات مربوط می‌شوند، نیز در این تغییرات نقش دارند. بستر سیاسی، اندازه حوزه‌های انتخابیه و وضعیت منتخبین در مرحله اول از جمله این عوامل هستند.

بستر سیاسی: شاید بتوان ادعا کرد که بستر سیاسی حاکم بر انتخابات نقشی در افزایش یا کاهش میزان تغییرات صورت گرفته داشته است. برای مثال، از لحاظ نظری می‌توان تحلیل کرد که در هر دوره از انتخابات که بستر سیاسی حاکم، تک‌قطبی بوده است، به لحاظ اینکه تفاوت ایدئولوژیکی بین نامزدها



وجود نداشته است، باید در مرحله دوم شاهد تغییرات کم‌تری بود. بر عکس، زمانی که بستر سیاسی، دو یا چندقطبی است، احتمالاً، در مرحله دوم، شاهد تغییر رفتار رأی‌دهندگان و تغییر خط حمایتی آنان و استفاده از رأی استراتژیک باشیم و لذا میزان تغییرات به این سبب افزایش خواهد یافت. رأی استراتژیک در زمانی که بستر انتخابات دو یا چندقطبی است، می‌تواند در صورت تغییر رفتار رأی‌دهندگان، کاربرد بیش‌تری داشته باشد. رأی استراتژیک به این صورت اتفاق می‌افتد که رأی‌دهندگان تصور می‌کنند، با بستری که فراهم شده است، نامزدهای یک طیف خاص نمی‌توانند برنده کرسی‌ها باشند، لذا خط سیاسی خود را تغییر داده و به نامزدهای طیفی رأی می‌دهند که تصور می‌کنند شانس بیش‌تری برای پیروزی دارد. این رفتار موجب ایجاد تغییر در انتخاب قطعی نامزدها در مرحله دوم می‌شود.

از قضا، این تحلیل، حداقل در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی، صحت دارد. مجالس اول، چهارم، پنجم، ششم و دهم مجالسی هستند که بستر سیاسی حاکم بر انتخابات آنها، رقابتی دو یا چندقطبی است. مخصوصاً در انتخابات اخیر مجلس، در حالی که اصولگرایان در مرحله اول دارای اکثریت بودند، در مرحله دوم، تغییر رفتار رأی‌دهندگان و حمایت آنان از اصلاح‌طلبان، این جریان را در موقعیت کسب اکثریت کرسی‌های مرحله دوم و برابری تعداد کرسی‌های آنان با اصولگرایان در مجموع دو مرحله قرار داد. مجالس دوم، سوم و هفتم، هشتم و نهم نیز مجالسی هستند که بستر سیاسی حاکم بر انتخابات آنها، رقابتی تک‌قطبی است. مطابق داده‌های جدول ۹ میزان تغییرات در مجالس گروه اول بیش‌تر از مجالس گروه دوم بوده است.

نقش اندازه حوزه‌های انتخابیه: تغییرات در چینش نامزدها از لحاظ انتخاب قطعی، هم در حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده و هم چند نماینده اتفاق افتاده است. داده‌های جدول شماره (۱۰) نشان می‌دهد که اگرچه تعداد حوزه‌های چندنماینده در قیاس با حوزه‌های تک‌نماینده کم‌تر بوده است، با این حال، اکثر حوزه‌های انتخابیه چندنماینده در مرحله دوم با تغییر مواجه بوده‌اند.

یک تحقیق صورت گرفته در مورد رابطه بین وسعت حوزه‌های انتخابیه و نتایج انتخابات مدعی است که در یک نظام اکثریت نسبی با حوزه‌های انتخاباتی که تنها یک نماینده از آنها انتخاب می‌شود، نامزدها را قادر می‌کند تا رابطه نزدیک‌تری داشته باشند با کسانی که به آنها رأی می‌دهند. حوزه‌های انتخاباتی که از آنها چندنماینده انتخاب می‌شود، توانایی نامزدها برای دستیابی به رأی‌دهندگان را در زمان مبارزات انتخاباتی محدود ساخته و تعامل موجود میان نامزدها و رأی‌دهندگان را تضعیف می‌کند.^۱ لذا در حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده، با توجه به اینکه تعداد نامزدها به دو نفر کاهش می‌یابد و رقابت منحصر به دو داوطلب است، آرا صرفاً بین دو داوطلب سرشکن می‌شود و از هدررفت آرا جلوگیری می‌شود. از طرف دیگر، وسعت کوچک این حوزه‌ها توسل به قشر کوچکی از رأی‌دهندگان و بسیج آنان

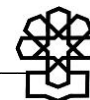
1. Blais, André and Louis Massicotte. 1997. "Electoral Formulas: A Macroscopic Perspective". *European Journal of Political Research* 32: 107-129.

را ساده‌تر می‌کند. همین عوامل امکان تغییر معادلات را ساده‌تر می‌کند. ولی در حوزه‌های انتخابیه چندنماینده، به تناسب تعداد کرسی‌های مورد نیاز، تعداد داوطلبان مضاعف می‌شود. در این حوزه‌ها، برای نامزدی که از لحاظ تعداد آرا در قعر لیست داوطلبان قرار دارد، بسیار دشوار - و حتی غیر ممکن - است که رقابت انتخاباتی خود را طوری مدیریت کنند که چند نامزد جلوتر از خود را کنار بزنند.

جدول ۱۰. سهم حوزه‌های چندنماینده و تک‌نماینده در تغییرات مرحله دوم انتخابات مجلس

حدنصاب انتخاباتی در مرحله اول	دوره مجلس	کل کرسی‌ها و حوزه‌های قطعی شده در مرحله دوم		تعداد حوزه‌های تک‌نماینده قطعی شده در مرحله دوم		تعداد کل حوزه‌های چندنماینده قطعی شده در مرحله دوم		سهم انواع حوزه‌ها در تغییرات صورت گرفته	
		کرسی		کرسی		کرسی		حوزه	
		کرسی	حوزه	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه	کرسی	حوزه
مطلق	اول	۱۰۱	۱۳۲	۸۵	۸۵	۱۶	۴۷	۶	۸
	دوم	۸۸	۱۲۵	۷۳	۷۳	۱۵	۵۲	۷	۷
یک سوم	سوم	۵۰	۷۷	۴۳	۴۴	۷	۳۴	۵	۷
	چهارم	۷۴	۱۲۶	۵۹	۵۹	۱۵	۶۷	۶	۶
	پنجم	۶۹	۱۱۶	۵۸	۵۸	۱۱	۵۸	۹	۱۷
یک‌چهارم	ششم	۴۹	۶۴	۳۹	۳۹	۱۰	۲۵	۷	۹
	هفتم	۳۶	۵۳	۲۵	۲۵	۱۱	۲۸	۶	۹
	هشتم	۵۱	۷۹	۳۸	۳۸	۱۳	۴۱	۹	۹
	نهم	۳۲	۶۳	۲۵	۲۵	۷	۳۸	۵	۶
	دهم	۵۲	۶۵	۴۲	۴۲	۱۰	۲۳	۹	۱۰

شکستن «وضعیت خاص و ممتاز» نامزدهایی که در لیست داوطلبان جلوتر هستند، مخصوصاً در حوزه‌های انتخابیه چندنماینده دشوار می‌نماید. به همین خاطر، حتی اگر در حوزه‌های انتخابیه چند نماینده تغییری نیز حادث شده باشد، منحصر به یک کرسی است. بعید است که همه کرسی‌های مورد نیاز یک حوزه انتخابیه چندنماینده، در مرحله دوم با تغییر مواجه باشند. در حوزه تهران در برخی از دوره‌های انتخاباتی هیچ‌گونه تغییری اتفاق نیافتاده است و این به این معنی است که در حوزه بزرگی مثل تهران برگزاری مرحله دوم تأثیری به حال نامزدها از لحاظ وضعیت انتخاب نداشته است. در سایر حوزه‌های چندنماینده، چنانچه تغییری صورت گرفته، این تغییر منحصر به یک کرسی بوده و نتایج سایر کرسی‌ها تغییری نیافته‌اند.



در دهمین دوره انتخابات مجلس، در مرحله دوم ۱۰ حوزه انتخابیه چندنماینده وجود داشته که در ۹ حوزه وضعیت انتخاب قطعی تغییر یافته است و فقط یک حوزه بدون تغییر بوده است. در این دوره از انتخابات مجلس شاهد بیشترین تغییرات از لحاظ انتخاب قطعی در حوزه‌های چندنماینده هستیم. با این حال، در مرحله دوم اولین دوره انتخابات مجلس نیز شاهد کمترین تغییرات در حوزه‌های انتخابیه چندنماینده هستیم. در این دوره از انتخابات ۱۶ حوزه انتخابیه در مرحله دوم وجود داشته است که از این بین فقط در ۶ حوزه تغییر صورت گرفته است.

وضعیت منتخبین در مرحله اول: نامزدی که در مرحله اول با کسب آرای بیش‌تر در رأس لیست داوطلبان مرحله دوم قرار می‌گیرد، از یک «وضعیت خاص و ممتاز» برخوردار است. این وضعیت خاص یک فشار روانی را بر رأی‌دهندگان تحمیل می‌کند که در اکثر موارد رأی‌دهندگان را به گزینش نهایی این وضعیت مجبور می‌کند. این وضعیت در واقع برگ برنده‌ای است که سایر نامزدها از آن بی‌بهره‌اند. بنابراین، در درجه اول، انتخاب قطعی متعلق به نامزدی است که از لحاظ تعداد آرا در مرحله اول، در وضعیت خاص قرار دارد.

همچنان که در جدول ۱۱ ملاحظه می‌شود، آن دسته از منتخبین مرحله دوم که در مرحله اول دارای وضعیت خاص و ممتاز بوده‌اند و بدون تغییر از لحاظ انتخاب قطعی در مرحله دوم به عنوان نمایندگی نائل شده‌اند، بخش کثیری از کرسی‌های مرحله دوم در هر دوره از انتخابات را به خود اختصاص داده است. در این جدول، ستون «وضعیت خاص بدون تغییر» تعداد این نمایندگان را نشان می‌دهد. برای مثال، در مرحله دوم انتخابات دومین دوره مجلس، از بین ۱۲۵ نماینده منتخب در مرحله دوم، ۷۴ نماینده از چنین وضعیتی برخوردار بوده است. البته در برخی موارد جزئی این وضعیت صادق نبوده است، یعنی نامزدی که در مرحله اول دارای وضعیت خاص بوده است، در مرحله دوم نتوانسته است به انتخاب قطعی برسد و نامزد دوم به عنوان نماینده انتخاب شده است. در جدول ۱۱ ستون «وضعیت معکوس» تعداد این نمایندگان را نشان می‌دهد و مشخص است که در هر دوره از انتخابات، تعداد این نوع از نمایندگان کم‌تر بوده است. این نمایندگان در واقع نامزدهای ردیف دوم هستند که در مرحله اول از لحاظ تعداد آرا فاصله زیادی با نامزد ردیف اول داشته‌اند و از شانس پیروزی برخوردار نبوده‌اند، لکن در مرحله دوم به هر دلیل از نامزد ردیف اول جلوتر افتاده‌اند و به انتخاب قطعی رسیده‌اند.

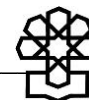
اما سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر انتخاب قطعی در مرحله دوم متعلق به نامزدی است که در وضعیت خاص قرار دارد، در این صورت دلیل تغییراتی که صورت گرفته است، چیست؟ در برخی حوزه‌ها، نامزدی که به انتخاب قطعی دست یافته است، از لحاظ تعداد آرا در مرحله اول، حائز وضعیت خاص نبوده، ولی به انتخاب قطعی دست یافته است.

در جواب باید گفت که در هر حوزه‌ای که بر خلاف اصل مورد ادعای ما، تغییری صورت گرفته است، این تغییرات عمدتاً مربوط به حوزه‌هایی است که فاصله نامزد اول با نامزد دوم از لحاظ تعداد آرا چندان زیاد نبوده است. اکثر حوزه‌هایی که در آنها تغییری صورت گرفته است، جزء این حوزه‌ها هستند. در این حوزه‌ها نامزد دوم توانسته است اندک کسری خود در مرحله اول را جبران کرده و در مرحله دوم بر نامزد اول پیشی بگیرد.

جدول ۱۱. وضعیت منتخبین مرحله دوم در قیاس با رقبای خود در مرحله اول از لحاظ تعداد آرا

حدنصاب انتخاباتی در مرحله اول	دوره مجلس	کل کرسی‌ها و حوزه‌های قطعی شده در مرحله دوم		میزان تغییر در انتخاب قطعی		تعداد نمایندگان منتخب از لحاظ وضعیت‌های زیر:		
		حوزه	کرسی	حوزه	کرسی	وضعیت خاص بدون تغییر	وضعیت معکوس	وضعیت برابری نسبی بدون تغییر (مستعد تغییر)
مطلق	اول	۱۰۱	۱۳۲	۲۷	۲۹	۶۹	۵	۳۴
	دوم	۸۸	۱۲۵	۲۰	۲۲	۷۴	۱۰	۲۹
یک‌سوم	سوم	۵۰	۷۷	۲۱	۲۳	۳۴	۵	۲۰
	چهارم	۷۴	۱۲۶	۳۳	۳۳	۶۶	۱۱	۲۷
	پنجم	۶۹	۱۱۶	۳۱	۳۹	۵۳	۱۱	۲۳
یک‌چهارم	ششم	۴۹	۶۴	۲۵	۲۷	۲۶	۴	۱۱
	هفتم	۳۶	۵۳	۱۸	۲۱	۲۶	۶	۶
	هشتم	۵۱	۷۹	۲۶	۲۷	۴۱	۳	۱۱
	نهم	۳۲	۶۳	۱۹	۱۹	۲۶	۴	۱۸
	دهم	۵۲	۶۵	۲۶	۲۷	۲۸	۷	۱۰

در این حوزه‌ها که تفاوت بین آرای نامزدها در مرحله اول بسیار ناچیز است، در حقیقت «وضعیت خاص و ممتاز» برقرار نیست، بلکه هر دو نامزد از «وضعیت برابری نسبی» برخوردارند. دلیل تغییر و جابه‌جایی در مرحله دوم، به تساوی وضعیت نامزدها و تعداد آرا نسبتاً برابر آنها مربوط می‌باشد. داده‌های جدول ۱۱ ستون «وضعیت برابری نسبی با تغییر» این امر را نشان می‌دهد و گویای این است که عمده تغییرات صورت گرفته در حوزه‌هایی بوده است که در آن نامزدهای رقیب از لحاظ تعداد آرا در وضعیت برابری نسبی قرار گرفته‌اند. بخش کم‌تری از تغییرات نیز در وضعیت معکوس اتفاق افتاده است.



سؤال دیگر این است که چرا در برخی حوزه ها، با اینکه تفاوت آرا بین دو نامزد بسیار ناچیز بوده، و هر دو نامزد در وضعیت برابری نسبی قرار داشته‌اند، تغییر و جابه‌جایی در انتخاب قطعی صورت نگرفته است؟

در جواب باید گفت که «وضعیت کاملاً برابر» در مرحله اول وجود ندارد. ممکن است تعداد آرای نامزدها در مرحله اول به هم نزدیک باشد و از این لحاظ از وضعیت نسبتاً برابر برخوردار باشند، لکن برابری نسبی تعداد آرا، دلیل بر تغییر حتمی در نتایج مرحله دوم نیست. هر دو نامزد در مرحله دوم از شانس نسبتاً برابر برای انتخاب برخوردارند.

مرحله دوم به مثابه یک سکوی پرش است و ارتفاع این سکو در اصل برای هر دو نامزد برابر است، لکن دستیابی به انتخاب قطعی سهم نامزدی است که یا به واسطه کسب آرا بیش‌تر و داشتن «وضعیت خاص» در مرحله اول، از یک برگ برنده برخوردار بوده است و تعداد آرای وی از نامزد بعدی به طور چشمگیر فاصله داشته است و یا وضعیت خاص برقرار نبوده و تعداد آرای هر دو نامزد نسبتاً برابر بوده، لکن نامزدی که بیش‌ترین تلاش را داشته، به انتخاب قطعی رسیده است، مثلاً از طریق ائتلاف با نامزدهای شکست خورده و جلب آرای حامیان وی در مرحله دوم.

حوزه‌هایی که در آنها بین دو نامزد از لحاظ میزان آرا وضعیت برابری نسبی برقرار بوده و تفاوت آرای دو نامزد بسیار ناچیز بوده است، این حوزه‌ها در واقع «مستعد تغییر» هستند، اما حدوث تغییر به تلاش نامزد ردیف دوم بستگی دارد و ممکن است در مسیر این تغییر توفیق بیابد یا نیابد و تغییری صورت بگیرد یا نگیرد. در جدول فوق، ستون «وضعیت برابری نسبی بدون تغییر» تعداد نمایندگان منتخب حائز این وضعیت را نشان می‌دهد.

۵. سطح مشارکت در مرحله دوم

غالباً در ارزیابی میزان مشارکت شهروندان در انتخابات، مشارکت آنان در مرحله اول انتخابات ملاک عمل قرار می‌گیرد. دلیل آن این است که اولاً بخش اعظمی از کرسی‌ها و حوزه‌ها در مرحله اول تعیین تکلیف می‌شوند، ثانیاً مرحله دوم وسعت جغرافیایی مرحله اول را ندارد. با این حال، از آنجا که منتخبین مرحله دوم، نوعاً با آرائی که در مرحله دوم (نه در مرحله اول) کسب کرده‌اند، به نمایندگی انتخاب می‌شوند، لذا تأثیر میزان مشارکت شهروندان در مرحله دوم باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

۵-۱. میزان تغییرات

مطابق داده‌های جدول زیر، در مرحله دوم انتخابات هفتمین دوره مجلس، مجموع آرای مأخوذه در کل حوزه‌هایی که انتخابات مرحله دوم در آنها برگزار شده است، نسبت به مجموع آرای مأخوذه آن حوزه‌ها

در مرحله اول، ۵۴/۳۹ درصد کاهش داشته است، یعنی میزان مشارکت از مرحله اول به مرحله دوم بیش از پنجاه درصد کاهش یافته است. این رقم در بین ادوار ده‌گانه انتخابات مجلس بیش‌ترین رقم کاهش نرخ مشارکت شهروندان است.

از طرف دیگر، در مرحله دوم اولین دوره انتخابات مجلس، مجموع آرا مرحله اول در حوزه‌هایی که به مرحله دوم راه یافته‌اند، ۲۳/۴۶ درصد نسبت به مجموع آرا آن حوزه‌ها در مرحله دوم کاهش یافته است. این رقم، کم‌ترین رقم کاهش نرخ مشارکت در میان ادوار ده‌گانه انتخابات مجلس شورای اسلامی است.

با نگاه به سیر میزان کاهش مشارکت در مرحله دوم، از انتخابات مجلس اول تا مجلس دهم، ترتیبات معناداری ملاحظه می‌شود. مرحله دوم انتخابات مجالس اول و دوم با حدنصاب اکثریت مطلق، به ترتیب با کاهش ۲۳/۴۶ و ۳۵/۴۲ درصدی سطح مشارکت در قیاس با مرحله اول مواجه بوده است.

مرحله دوم انتخابات مجالس سوم، چهارم و پنجم با حدنصاب اکثریت یک‌سوم، به ترتیب با کاهش ۳۹/۵۰ و ۲۸ و ۳۳ درصدی سطح مشارکت نسبت به مرحله اول مواجه بوده است.

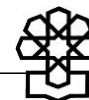
مرحله دوم انتخابات مجالس ششم تا دهم با حدنصاب اکثریت یک‌چهارم، به ترتیب با کاهش ۵۳ و ۵۴/۳۹ و ۴۴/۲۸ و ۴۵/۴۷ و ۴۱/۴۸ درصدی سطح مشارکت نسبت به مرحله اول مواجه بوده‌اند.

جدول ۱۲. سطح مشارکت مردم در مرحله دوم انتخابات ادوار اول تا دهم مجلس شورای اسلامی

دوره	مجموع آرای مرحله اول	مجموع آرای مرحله دوم	تعداد کاهش	درصد کاهش
اول	۷۲۴۶۳۲۱	۵۵۴۶۰۸۲	۱۷۰۰۲۳۹	۲۳/۴۶
دوم	۹۵۹۸۹۰۲	۶۱۹۸۸۷۴	۳۴۰۰۰۲۸	۳۵/۴۲
سوم	۶۴۶۶۵۴۹	۳۹۱۱۸۱۳	۲۵۵۴۷۳۶	۳۹/۵۰
چهارم	۹۷۲۳۵۳۸	۷۰۲۰۳۸۴	۲۷۰۳۱۵۴	۲۸
پنجم	۱۲۵۱۵۹۸۷	۸۳۶۹۵۸۸	۴۱۴۶۳۹۹	۳۳
ششم	۹۴۲۴۵۸۸	۴۴۲۴۱۳۰	۵۰۰۰۴۵۸	۵۳
هفتم	۶۱۶۸۳۰۵	۲۸۱۳۴۲۹	۳۳۵۴۸۷۶	۵۴/۳۹
هشتم	۸۹۵۹۷۹۰	۴۹۹۲۳۹۶	۳۹۶۷۳۹۴	۴۴/۲۸
نهم	۹۲۷۲۸۱۴	۵۰۵۶۸۲۴	۴۲۱۵۹۹۰	۴۵/۴۷
دهم	۹۴۲۳۶۱۱	۵۵۱۴۶۷۷	۳۹۰۸۹۳۴	۴۱/۴۸

مجموع آرای مرحله اول و دوم بدون احتساب حوزه‌هایی که منتخب آن به هر دلیل نتوانسته است به مجلس راه یابد، محاسبه شده است.

اگرچه نمی‌توان تغییرات در میزان کاهش سطح مشارکت را به حدنصاب انتخاباتی مرتبط دانست، با این حال، نوعی ارتباط معنادار بین درصد کاهش مشارکت و حد نصاب انتخاباتی وجود دارد. همچنان‌که ذکر شد، ادوار پنجم تا دهم مجلس که با حدنصاب یک‌چهارم برگزار شده‌اند، در مرحله دوم نسبتاً از یک



نرخ مشابه در کاهش مشارکت مواجه هستند، همچنان که دوره‌های سوم، چهارم و پنجم با حدنصاب یک‌سوم و دوره‌های اول و دوم با حدنصاب اکثریت مطلق تقریباً از نرخ کاهش مشابه برخوردارند. با این حال، افزایش شدید کاهش نرخ مشارکت در مرحله دوم از مجلس ششم به بعد، قابل تأمل به نظر می‌رسد.

۲-۵. عوامل مؤثر

کاهش سطح مشارکت در مرحله دوم انتخابات به هیچ‌کدام از متغیرهای ما بستگی ندارد. نه حدنصاب انتخاباتی و نه بستر سیاسی و نه اندازه حوزه‌های انتخابیه، هیچ‌کدام در کاهش میزان مشارکت مرحله دوم نقش ندارند. شناخت دلایل این امر نیاز به بررسی‌های جامعه‌شناختی دارد. این پدیده در کشور ما به طرز تلقی مردم از انتخابات دوم‌مرحله‌ای مرتبط است و ارتباطی با نظام انتخاباتی ندارد. در آخرین تحلیل، به غیر از فقدان انگیزه سیاسی^۱، هیچ دلیل دیگری برای کاهش مشارکت سیاسی در مرحله دوم باقی نمی‌ماند.^۲ ذیل به برخی از عواملی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی در کاهش مشارکت در مرحله دوم نقش دارند، اشاره می‌شود.

«گزینه‌های پیش رو» و «دوستان سیاسی»: یکی از طرق تحقیق در رفتار رأی‌دهی جامعه انجام تحلیل‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی از آن است. شاید چنین تحلیل شود که «گزینه‌های پیش روی» رأی‌دهندگان، احتمالاً دلیل مشارکت یا عدم مشارکت آنان در انتخابات را تعریف می‌کند. سیاست‌هایی که احزاب سیاسی مطرح می‌کنند، یا نامزدهای مطلوب و مورد پسندی که آنان برای مردم معرفی می‌کنند، شاید بتواند شهروندان را به «هجوم پای صندوق‌های رأی» تحریک کند. عکس قضیه نیز صادق است. فقدان سیاست یا سیاست‌های جذاب و معرفی نامزدهای نامطلوب، احتمالاً در یک روز تعطیل انتخاباتی، بخش وسیعی از رأی‌دهندگان را مجبور کند که «ماندن در خانه» را بر «رفتن به غرفه‌های رأی‌گیری» ترجیح دهند.

۱. بر اساس پیمایشی که در سطح تهران صورت گرفته است، تأثیر برخی از مهم‌ترین «منابع اجتماعی» و «عوامل انگیزشی» بر مشارکت شهروندان تهرانی در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی بررسی شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در جمعیت مورد مطالعه در تهران، انگیزه‌هایی چون تقویت انسجام ملی، پیروی از مقام معظم رهبری، حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران و احساس تکلیف شرعی رابطه معناداری با مشارکت انتخاباتی دارند. در میان منابع اجتماعی مورد بررسی، «پایبندی به انجام تکالیف شرعی»، «اعتماد سیاسی»، «علاقه‌مندی به سیاست»، «مهارت‌های مشارکتی» و «احساس اثربخشی سیاسی» همبستگی معناداری با مشارکت انتخاباتی نشان می‌دهند. «منابعی» که در مضمون جامعه ایران، برخلاف بیش‌تر جوامع دیگر، همبستگی معنادار با مشارکت در انتخابات را نشان نداده‌اند، تحصیلات و درآمد بود. برای اطلاعات بیش‌تر رک: سید امامی، کاووس و عبدالمطلب عبدالله، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس، مطالعه موردی شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۴، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۰۹-۱۴۶.

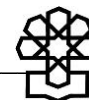
۲. رضایی، حسین، نظریه‌های مشارکت سیاسی با رویکرد انتخابات، فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات انتخابات، مرکز تحقیقات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، سال دوم، ش ۵ و ۶، پائیز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۲۹.

این رفتار، اگرچه در حد وسیعی، کاهش یا افزایش مشارکت در انتخابات را توضیح می‌دهد، اما در مورد سؤال ما نمی‌تواند جواب قانع‌کننده‌ای باشد. مطلوب یا نامطلوب بودن گزینه‌های پیش روی رأی‌دهندگان برای سنجش افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی در مرحله اول انتخابات و یا از این انتخابات به آن انتخابات شاید راهکار مناسبی باشد. لکن، این یک بحث دیگری است و برای بررسی علت افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی از مرحله اول به مرحله دوم در یک انتخابات راهکار مناسبی به نظر نمی‌رسد. زیرا، ما به دنبال چرایی افزایش یا کاهش میزان مشارکت در یک انتخابات نسبت به انتخابات قبلی نیستیم. ما در صدد این هستیم که چرا در مرحله اول انتخابات، میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر بوده، ولی در مرحله دوم، کاهش یافته است؟

بررسی رفتار رأی‌دهندگان در مرحله اول انتخابات، نشان می‌دهد که وجود گزینه‌های مطلوب انگیزه سیاسی حضور در انتخابات را افزایش داده است، ولی آیا این تحلیل در مورد افت میزان مشارکت سیاسی در مرحله دوم انتخابات نیز صدق می‌کند؟ با تغییر رویکرد و نگاه از مفهوم مخالف، جواب مثبت است. هر داوطلب در انتخابات برای خود رأی‌دهندگانی دارد که از آن تحت عنوان «دوستان سیاسی» یاد می‌شود. دوستان سیاسی به انگیزه پیروزی نامزد مطلوب خود در انتخابات شرکت می‌کنند. زمانی که نامزد مطلوب آنها در مرحله اول حضور دارد، مشارکت آنان در انتخابات تبعاً میزان مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد، ولی وقتی که در مرحله دوم به علت عدم کسب اکثریت، نامزد مورد نظر آنان از دور رقابت خارج می‌شود، انگیزه‌ای (و حتی دلیلی) برای حضور آنان در انتخابات وجود ندارد. عدم حضور دوستان سیاسی در انتخابات مرحله دوم، برابر با کاهش مشارکت سیاسی است. در واقع، در مرحله دوم انتخابات، رقابت سیاسی فقط بین دوستان سیاسی نامزد اول و دوم صورت می‌گیرد.^۱

بنابراین، یکی از دلایل عمده کاهش مشارکت سیاسی در مرحله دوم انتخابات، حذف گزینه‌های پیش رو از گردونه رقابت و در نتیجه حذف دوستان سیاسی از مشارکت در انتخابات بوده است. برای مثال، در مرحله دوم هفتمین دوره انتخابات مجلس، مجموع آرا مأخوذه در حوزه‌هایی که نتیجه آنها به مرحله دوم موکول شده است، در مرحله اول حدود شش میلیون رأی و در مرحله دوم کم‌تر از سه میلیون رأی بوده است. سؤال این است که سه میلیون و خرده‌ای که در مرحله اول پای صندوق آرا حاضر شده‌اند، چرا در مرحله دوم در انتخابات شرکت نکرده‌اند؟ یکی از بهترین و بدیهی‌ترین دلایل برای توضیح این رفتار، فقدان انگیزه به علت حذف نامزد مورد نظر آنان از رقابت می‌تواند باشد.

۱. «میلبراث و گوئل» از دوستان سیاسی تحت عنوان «تعهد به یک سازمان یا گروه یا حزب» یاد می‌کنند. آنان در تبیین مشارکت سیاسی از هفت عامل عمده نام می‌برند که یکی از آنها «تعهد» است. منظور از تعهد، تعلق خاطر نسبت به یک سازمان، گروه، حزب یا فرد خاصی است که این پیوند و دلبستگی بر مشارکت سیاسی افراد در انتخابات تأثیر زیادی دارد. به نقل از: میلبراث، لستر و گوئل، لیل، مشارکت سیاسی، ترجمه سیدرحیم ابوالحسنی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۳۵.



حساسیت: مرحله دوم، حساسیت مرحله اول را ندارد. زیرا تبلیغات رسانه‌ها در این مرحله به اندازه مرحله اول گسترده نیست و سطح برگزاری انتخابات نیز در این مرحله، تقریباً محلی است. ایجاد این حساسیت که موتور محرکه و انگیزش حضور در انتخابات است، تحت کنترل عوامل متعددی قرار دارد. **رسانه‌ها:** تبلیغات رسانه‌ها در مرحله دوم به گستردگی مرحله اول نیست. از یک طرف، در انتخابات کشور ما، تبلیغات رسانه‌ها در دو نوع زیر تقسیم می‌شود: تبلیغ کلیت انتخابات و تبلیغ احزاب و جریانات سیاسی و نامزدها. در مرحله اول انتخابات، رسانه‌ها (مخصوصاً صدا و سیما و روزنامه‌ها) بنابه رسالتی که حاکمیت بر عهده آنها گذارده است و تعهدی که از باب حمایت از نظام جمهوری اسلامی دارند، ماه‌ها پیش از فرا رسیدن تبلیغات انتخاباتی، برگزاری انتخابات و لزوم حضور مردم در آن را تبلیغ می‌کنند. این امر حساسیت شهروندان نسبت به انتخابات را در مرحله اول افزایش می‌دهد. در حالی که تبلیغ احزاب و جریانات خاص سیاسی که در مرحله دوم نیز موضوعیت دارد، فقط در فرصت قانونی کوتاه (یک هفته) انجام می‌شود.

از طرف دیگر، فرایند انتخابات در مرحله اول نوعاً گسترده‌تر از مرحله دوم است و همین گستردگی فرصت بیشتری را به رسانه‌ها می‌دهد تا حساسیت شهروندان را بیش‌تر تحریک کنند. در مرحله اول فرایند انتخابات با اعلام داوطلبی و ثبت‌نام نامزدها، احراز صلاحیت‌ها در هیئت‌های اجرایی، هیئت‌های نظارت و شورای نگهبان و رسیدگی به شکایات همراه است، در حالی که این فرایندها در مرحله دوم موضوعیت ندارند. هر کدام از این فرایندها از جنبه‌های تبلیغاتی حساسی برخوردارند که رسانه‌ها می‌توانند با استفاده از آن، قبل از شروع تبلیغات، در جهت افزایش حساسیت رأی‌دهندگان اقدام کنند. **سطح برگزاری انتخابات:** انتخابات مرحله اول در یک زمان در کل کشور برگزار می‌شود و از این لحاظ انتخابات مرحله اول نوعاً یک انتخابات ملی است. اینکه همه مردم کشور در یک زمان در یک فعالیت اجتماعی سیاسی مشغول می‌شوند، حساسیت مردم را افزایش می‌دهد. مرحله دوم، اگرچه از لحاظ پراکندگی جغرافیایی معمولاً در اکثر استان‌های کشور برگزار می‌شود، لکن همه مردم کشور در این امر مشارکت ندارند و همین امر حساسیت حضور در انتخابات را کاهش می‌دهد. بنابراین، انتخابات در مرحله اول، ملی است و در مرحله دوم محلی است.

اقناع ذهنی و ناامیدی از تأثیرگذاری رأی: در حوزه‌هایی که یکی از نامزدها نسبت به نامزد دیگر از لحاظ تعداد آرا در یک وضعیت خاص قرار گرفته است، این وضعیت خاص برخی از رأی‌دهندگان را به پذیرش نتایج مرحله اول و اذعان به شکست و اقناع نسبت به نتایج انتخابات مجبور می‌کند. در واقع، در این حوزه‌ها، با تفاوت چشمگیری که از لحاظ تعداد آرا بین دو نامزد در مرحله دوم برقرار است، برخی از رأی‌دهندگان نتیجه مرحله دوم انتخابات را حدس زده و با قبول شکست نامزد خود در انتخابات، نسبت به انتخابات اقناع حاصل کرده و لزومی به مشارکت در انتخابات مرحله دوم

نمی‌بینند. در اینجا «ا/امیدی از تأثیرگذاری رأی» مانع از حضور قشرهای مختلف مردم در انتخابات مرحله دوم می‌شود. بسیاری از متخصصین امر مشارکت سیاسی، احساس اثربخش بودن را یکی از عوامل اصلی تبیین مشارکت سیاسی قلمداد می‌کنند.^۱

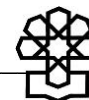
۶. مقایسه آرای منتخبین مرحله دوم

هدف اولیه در برگزاری مرحله دوم انتخابات، کسب آرای بیش‌تر و تضمین نمایندگی بیش‌تر مردم است. قانونگذار می‌خواهد، نامزدی که در مرحله اول حدنصاب لازم را برای کسب عنوان نمایندگی به‌دست نیاورده است، در مرحله دوم، مجدداً به رقابت بپردازد تا با کسب آرا بیش‌تر راهی مجلس شود. بنابراین، انتظار بر این است که تعداد آرای منتخبین مرحله دوم بیش‌تر از تعداد آراء آنها در مرحله اول باشد. با این حال، همواره این چنین نیست و برخی عوامل نتایج انتخابات را تحت تأثیر قرار داده و موجب کاهش آرا منتخبین در مرحله دوم می‌شوند. یکی از این عوامل، افت شدید میزان مشارکت در مرحله دوم است که سطح آرای منتخبین این مرحله را در برخی دوره‌های انتخاباتی، در قیاس با مرحله اول کاهش می‌دهد.

برخی معتقدند تجربه دوره‌های انتخاباتی گذشته مجلس نشان می‌دهد که نامزدهایی که به مرحله دوم راه یافته‌اند با آرا کم‌تری نسبت به آنچه که در مرحله اول کسب کرده‌اند، وارد مجلس شده‌اند.^۲ به نظر آنان، با توجه به اینکه در مرحله دوم میزان مشارکت کاهش می‌یابد، نامزدها در مرحله دوم می‌توانند با کسب آرای کم‌تر، میانگین بیش‌تری نسبت به منتخبین مرحله اول برای خود رقم بزنند. برای مثال فرض کنیم در یک حوزه انتخابیه تعداد کل آرای مأخوذه ۱۰۰/۰۰۰ رأی بوده و نامزدی با کسب ۳۰/۰۰۰ رأی (بیش از یک‌چهارم آرا) به مجلس راه یافته است. لکن نامزد دیگری با کسب ۲۰/۰۰۰ رأی (کم‌تر از یک‌چهارم) به مرحله دوم راه یافته است. حال فرض کنیم که در مرحله دوم میزان مشارکت کاهش یافته و تعداد کل آرای مأخوذه به رقم ۴۰/۰۰۰ رأی برسد و نامزد مذکور نیز با کسب ۲۵/۰۰۰ رأی برنده کرسی شده و ادعا داشته باشد که بیش از نصف آرا را کسب کرده و میانگین آرا خود را بیش‌تر و بالاتر از نامزدی بداند که در مرحله اول با کسب یک‌چهارم آرا به مجلس راه یافته است.

۱. داود فیروزی، مفهوم مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۵، ص ۴۴.

۲. مروری بر ضعف‌ها و قوت‌های قانون انتخابات مجلس، فراز و فرودهای قانون انتخابات، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نشریه مجلس و پژوهش، ش ۱۹، سال چهارم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵، ص ۸۶.



۶-۱. میزان افزایش یا کاهش تعداد آرا

مطابق داده‌های تحقیق، در انتخابات مجالس اول، چهارم، پنجم، ششم و مخصوصاً دهم با افزایش تعداد آرای منتخبین نسبت به مرحله اول و در انتخابات مجالس دوم، سوم، هفتم، هشتم و نهم با کاهش تعداد آرا در قیاس با مرحله اول مواجه هستیم.

جالب آنکه در دوره‌های انتخاباتی که با کاهش تعداد آرای منتخبین مرحله دوم مواجه بوده‌ایم، نرخ کاهش بسیار ناچیز بوده است. بیش‌ترین نرخ کاهش مربوط به دوره دوم با ۲۰/۳۳ درصد و کم‌ترین آن مربوط به دوره ششم با ۳/۵۰ درصد است. در حالی که در دوره‌های انتخاباتی که با افزایش تعداد آرا منتخبین مواجه بوده‌ایم، نرخ افزایش بسیار بالاست. بیش‌ترین افزایش تعداد آرا مربوط به دوره دهم انتخابات با ۳۵/۱۱ درصد و کم‌ترین نرخ افزایش مربوط به دوره چهارم با ۹/۶۰ درصد است.

در هر حال، زمانی که ادعا می‌کنیم منتخبین مرحله دوم با آرا به مراتب کم‌تری نسبت به مرحله اول راهی مجلس می‌شوند، باید بدانیم که اولاً این امر در مورد همه دوره‌های مجلس صحت ندارد، ثانیاً نرخ کاهش میزان آرا منتخبین، مطابق جدول ۱۳ بسیار ناچیز است، در حالی که نرخ افزایش تعداد آرا رقم قابل توجهی است. همچنین جدول ۱۴ نشان می‌دهد که به استثنای دوره دوم مجلس، در همه دوره‌ها، تعداد نمایندگان که در مرحله دوم با افزایش آرا راهی مجلس شده‌اند، بسیار بیش‌تر از نمایندگان است که با کاهش تعداد آرا به نمایندگی مجلس انتخاب شده‌اند. مخصوصاً در دوره‌های ششم و دهم تعداد آنان از تعداد انگشتان یک دست هم فراتر رفته است.

جدول ۱۳. مقایسه مجموع آرای مأخوذه منتخبین مرحله دوم در دو مرحله

دوره مجلس	مجموع آرای مأخوذه منتخبین		تعداد افزایش یا کاهش	درصد افزایش یا کاهش
	مرحله اول	مرحله دوم		
اول	۱۲۰۸۷۰۵۰	۱۳۷۷۱۰۹۲	+۱۶۸۴۰۴۲	+۱۲/۲۳
دوم	۱۷۷۵۲۴۳۱	۱۴۱۵۲۶۸۸	-۳۶۰۹۷۴۳	-۲۰/۳۳
سوم	۸۴۵۸۳۷۷	۸۰۲۶۰۹۴	-۴۳۲۲۸۳	-۵
چهارم	۱۴۷۰۹۴۶۲	۱۶۲۶۹۴۴۶	+۱۵۵۹۹۸۴	+۹/۶۰
پنجم	۱۶۴۲۷۳۷۰	۱۸۷۷۵۴۳۳	+۲۳۴۸۰۶۳	+۱۲/۵۱
ششم	۳۵۵۵۲۴۹	۳۵۹۸۷۷۱	+۴۳۵۲۲	+۱/۲۱
هفتم	۲۲۳۹۱۸۴	۲۱۶۰۸۴۹	-۷۸۳۳۵	-۳/۵۰
هشتم	۶۵۰۴۱۸۳	۶۲۸۱۳۳۶	-۲۲۲۸۴۷	-۳/۴۳
نهم	۱۰۸۹۷۲۹۲	۱۰۳۷۸۱۷۲	-۵۱۹۱۲۰	-۴/۷۶
دهم	۲۷۷۲۱۹۶	۴۲۷۲۱۳۲	+۱۴۹۹۹۳۶	+۳۵/۱۱

در ضمن، موارد متعددی نیز وجود دارد که در آن، نامزدی که در مرحله اول آراء کمتری داشته و از شانس پیروزی برخوردار نبوده است، در مرحله دوم با افزایش آراء، به انتخاب قطعی دست یافته است.

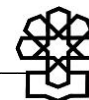
جدول ۱۴. وضعیت منتخبین مرحله دوم از لحاظ افزایش یا کاهش تعداد آراء نسبت به مرحله اول

دوره مجلس	منتخبین مرحله دوم انتخابات			در مجموع
	کل منتخبین	تعداد راه یافتگان با افزایش آراء	تعداد راه یافتگان با کاهش آراء	
اول	۱۳۲	۱۱۸	۱۴	افزایش
دوم	۱۲۵	۵۳	۷۲	کاهش
سوم	۷۷	۴۷	۳۰	کاهش
چهارم	۱۲۶	۱۰۲	۲۴	افزایش
پنجم	۱۱۶	۱۰۲	۱۴	افزایش
ششم	۶۴	۶۰	۴	افزایش
هفتم	۵۳	۳۱	۲۲	کاهش
هشتم	۷۹	۶۲	۱۷	کاهش
نهم	۶۳	۳۸	۲۵	کاهش
دهم	۶۵	۵۹	۶	افزایش

در بخش مربوط به انتخاب قطعی مشخص شد که همواره در مرحله دوم انتخابات، در برخی حوزه با تغییر در انتخاب قطعی مواجه بوده‌ایم. این تغییرات قطعاً با افزایش تعداد آراء نماینده منتخب اتفاق افتاده است. موارد بسیار ناچیزی وجود دارد که در آن نامزدی در مرحله اول با وضعیت عدم انتخاب، توانسته است با وجود کاهش تعداد آراء به وضعیت انتخاب قطعی در مرحله دوم برسد. از طرف دیگر، بخشی از دلایل کاهش تعداد آراء منتخبین در مرحله دوم به کاهش شدید سطح مشارکت در این مرحله بازمی‌گردد. این موارد نیز باید در تحلیل نتایج مرحله دوم انتخابات مد نظر قرار گیرد.

۲-۶. عوامل مؤثر

عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی می‌توانند دلایل کاهش یا افزایش تعداد آراء منتخبین را توضیح دهند. تحلیل رفتار رأی‌دهندگان در مرحله دوم، از لحاظ تغییر حمایت سیاسی از یک جریان به جریان دیگر، بخشی از علل و عوامل مؤثر بر افزایش یا کاهش تعداد آراء نامزدهای منتخب در مرحله دوم را توضیح می‌دهد. در کنار این عامل روانی-اجتماعی، برخی از عوامل عینی دیگر نیز در این ماجرا سهیم بوده‌اند.



تغییر در حمایت سیاسی و انتقال آرا (رأی استراتژیک): در بادی امر چنین تصور می‌شود که در مرحله دوم انتخابات، از آنجا که تعداد نامزدها به دو برابر کرسی‌های مورد نیاز کاهش می‌یابد، تبعاً کسانیکه در انتخابات مرحله اول به نامزدهای حذف شده رأی داده بودند، در مرحله دوم با حذف نامزد مورد نظر آنان، مجبور شده‌اند به نامزد پیروز رأی دهند. این امر تعداد آرا نامزد پیروز را در مرحله دوم افزایش داده است. این تصور، البته، با توجه به بررسی‌هایی که در بخش مربوط به سطح مشارکت سیاسی انجام دادیم و نتایجی که به آن دست یافتیم، صحیح نیست.

در بخش قبلی ملاحظه کردیم که مشارکت سیاسی و مجموع آرا حوزه‌های انتخابیه در مرحله دوم به نحو چشمگیری کاهش داشته است. یکی از عمده دلایل این کاهش مشارکت حذف گزینه‌های پیش روی رأی‌دهندگان و در نتیجه حذف آرا دوستان سیاسی از مجموع آرای حوزه بود.

بنابراین، اگر قرار بود انتقال آرا دوستان سیاسی نامزدهای حذف شده به نامزد پیروز را، دلیل افزایش تعداد آرای وی بدانیم، در این صورت نباید در میزان مشارکت سیاسی در مرحله دوم کاهش فاحش روی می‌داد. زیرا با این تحلیل، در مرحله دوم، آرای دوستان سیاسی نامزدهای حذف شده از شمار مجموع آرا حوزه انتخابیه کسر نشده است، بلکه به نامزد پیروز منتقل شده است. در حالی که بررسی‌های ما غیر این را نشان می‌دهد.

منظور از انتقال آرا، که یکی از عوامل مؤثر بر افزایش تعداد آرا نامزد پیروز در مرحله دوم است، «تغییر در حمایت سیاسی جمعیت رأی‌دهنده متعلق به نامزد شکست خورده» است که موجب شده است بخشی از رأی‌دهندگانی که در مرحله اول به نامزد شکست خورده رأی داده بودند، در مرحله دوم حمایت سیاسی خود را به سمت نامزد پیروز منتقل کنند.

دلیل این تغییر حمایت، پیش‌بینی‌هایی است که رأی‌دهندگان از تأثیرگذاری رأی خود دارند. آنان با برآوردی که از اوضاع در دست دارند، تشخیص می‌دهند که در وضع موجود نامزد مورد حمایت آنان در مرحله دوم نمی‌تواند پیروز رقابت باشد و برای جلوگیری از هدر رفتن رأی خود، به نامزدی دیگر رأی می‌دهند (رأی استراتژیک). این تغییر حمایت ممکن است تعداد آرا نامزد پیروز را افزایش دهد. البته ممکن است رأی استراتژیک به هدف خود نائل نشود. یعنی علی‌رغم تغییر حمایت بخشی از رأی‌دهندگان به سمت نامزد دوم، همچنان نامزد اول، البته با کاهش آرا، برنده کرسی باشد. در این صورت است که تعداد آرای منتخب مرحله دوم نسبت به مرحله اول کاهش می‌یابد.

بنابراین، صحیح این است که انتقال آرا در بین رأی‌دهندگان دو نامزد رقیب در مرحله دوم اتفاق افتاده است، نه اینکه دوستان سیاسی نامزدهای حذف شده به نامزد پیروز رأی داده‌اند.

بستر سیاسی: داده‌های جدول ۱۴ نشان می‌دهد که بین وضعیت منتخبین مرحله دوم از لحاظ افزایش یا کاهش تعداد آرا از یک طرف و بستر سیاسی حاکم از طرف دیگر، ارتباط وجود دارد.

در هر دوره که بستر سیاسی دوقطبی و چندحزبی بوده است، تعداد آرا منتخبین مرحله دوم نسبت به مرحله اول افزایش یافته است. مجالس اول، چهارم، پنجم، ششم و دهم که با ویژگی انتخابات دوقطبی یا چندحزبی شناخته شده‌اند، با افزایش تعداد آرا منتخبین مرحله دوم مواجه هستند در حالی که مجالس دوم، سوم، هفتم، هشتم و نهم که با ویژگی انتخابات تک‌قطبی و تک‌طیفی شناخته شده‌اند، با کاهش تعداد آرا منتخبین مرحله دوم مواجه هستند.

سایر عوامل کم‌رنگ: برخی عوامل کم‌رنگ نیز در افزایش یا کاهش تعداد آرا نامزد منتخب سهیم هستند، هر چند که تأثیر آنها بسیار کم‌رنگ است.

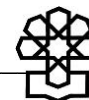
کاهش تعداد نامزدها تدبیری است که همواره می‌تواند از تشتت و پراکندگی آرا شهروندان جلوگیری کند. در واقع با کاهش تعداد نامزدها، آرا رأی‌دهندگان به جای اینکه بین نامزدهای متعدد توزیع شود، بین دو نامزد رقیب^۱ در مرحله دوم توزیع می‌شود. این امر تبعاً تعداد آرا نامزد منتخب را افزایش می‌دهد. انتقال رأی‌دهندگان از حوزه‌ای که مرحله دوم در آن برگزار نمی‌شود، به حوزه‌ای که مرحله دوم در آن برگزار می‌شود. اگر چه مطابق قانون، هرکسی در هر حوزه‌ای که رأی داده است، در مرحله دوم نیز تنها در همان حوزه می‌تواند رأی بدهد، لکن اگر کسی در مرحله اول انتخابات شرکت نکرده باشد، می‌تواند در هر حوزه‌ای (در حوزه‌هایی که مرحله دوم در آنها برگزار می‌شود) رأی بدهد. غائبین انتخابات مرحله اول می‌توانند در یکی از حوزه‌های مرحله دوم به یکی از نامزدها رأی بدهند و این امر احتمالاً در افزایش یا کاهش تعداد آرا نامزد منتخب مؤثر باشد.

رأی اولی‌ها نیز در مرحله دوم می‌توانند در افزایش یا کاهش تعداد آرا نامزدهای منتخب تأثیرگذار باشند. کسانی که در فاصله مرحله اول تا مرحله دوم به سن ۱۸ سال تمام می‌رسند، رأی اولی محسوب می‌شوند و می‌توانند در حوزه دلخواه رأیشان را به صندوق بیندازند.

۷. دامنه جغرافیایی انتخابات

آنچه در اینجا با عنوان دامنه جغرافیایی انتخابات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، با بحث‌های پیچیده جغرافیای انتخابات که در متون سیاسی وجود دارد، متفاوت است. اگر چه عناصر جغرافیای انتخاباتی در دامنه جغرافیایی انتخابات نیز می‌تواند وجود داشته باشد و از این لحاظ این موضوع را نیز می‌توان به نوعی مرتبط با جغرافیای انتخابات دانست، با این حال، منظور از طرح دامنه جغرافیایی در اینجا، بررسی پراکنش و توزیع کرسی‌های قطعیت‌یافته در مراحل اول و دوم انتخابات در سطح استان‌ها است. منظور ما از بررسی دامنه جغرافیایی انتخابات، بررسی این نکته است که حوزه‌ها و کرسی‌های کدام استان‌ها در

۱. در حوزه‌های انتخابیه چندنماینده، بین چندنامزد.



مرحله دوم انتخابات حضور دارند، سهم کدام استان‌ها از حوزه‌ها و کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم بیش‌تر یا کم‌تر است، کدام استان‌ها سهم بیش‌تری از کرسی‌های قطعیت‌یافته در مرحله اول دارند. فرضیه ما این است که استان‌هایی که حوزه‌ها و کرسی‌های آنها در مرحله اول به قطعیت رسیده‌اند و یا استان‌هایی که همواره و در اکثر دوره‌های انتخاباتی مجلس، در مرحله دوم حضور داشته‌اند، با اندک تفاوت و تغییرات که عمدتاً ناشی از حدنصاب انتخاباتی است، همواره یکسان بوده‌اند، به گونه‌ای که برخی استان‌ها هستند که در تمامی دوره‌های انتخاباتی، تمامی حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های نمایندگی متعلقه آنها در مرحله اول قطعیت یافته‌اند و برخی استان‌ها نیز هستند که کلیه حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های نمایندگی متعلقه آنها، عمدتاً و در اکثر دوره‌های انتخاباتی به مرحله دوم موکول شده‌اند. تعدادی از استان‌ها نیز هستند که در دوره‌های مختلف انتخاباتی، بخشی از حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های نمایندگی متعلقه آنها در مرحله اول به قطعیت رسیده و بخشی دیگر نیز به مرحله دوم موکول شده است. به نظر می‌رسد، از این حیث یک الگو در بین استان‌های کشور وجود دارد که باید از طریق بررسی آمار و داده‌های انتخاباتی، به اثبات برسد.

اکثریت مطلق

در زمان برگزاری نخستین و دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی مجموعاً ۲۴ استان در کشور وجود داشت که کلاً به ۱۹۳ حوزه انتخابیه برای انتخاب ۲۷۰ نماینده تقسیم شده بود.

در انتخابات دوره اول مجلس، استان تهران با ۱۶ کرسی و استان‌های آذربایجان شرقی و خوزستان هر کدام با ۱۲ کرسی، استان‌هایی بودند که بیش‌ترین سهم را در کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم داشتند.

از بین ۲۴ استان کشور، مرحله دوم در ۲۱ استان برگزار شده و سه استان کهگیلویه و بویراحمد، یزد و کردستان در مرحله دوم انتخابات حضور نداشتند.

استان‌های آذربایجان غربی، ایلام، چهارمحال و بختیاری، باختران استان‌هایی هستند که تمامی کرسی‌ها و حوزه‌های آنها به مرحله دوم موکول شده یا باطل و یا متوقف شده‌اند. به عبارت دیگر، در این استان‌ها هیچ حوزه یا کرسی در مرحله اول قطعیت نیافته است.

در دومین دوره انتخابات مجلس، استان تهران با ۲۰ کرسی و استان آذربایجان شرقی با ۱۳ کرسی و استان خراسان با ۱۱ کرسی، به ترتیب استان‌هایی بودند که بیش‌ترین سهم را در کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم داشتند.

از بین ۲۴ استان کشور، مرحله دوم انتخابات دومین دوره مجلس در ۲۳ استان کشور برگزار شده و فقط استان بوشهر در این مرحله از انتخابات حضور نداشته است. به عبارت دیگر، مرحله دوم انتخابات

دومین دوره مجلس به استثنای استان بوشهر (که یک استان بسیار کوچک بوده و فقط دارای ۳ حوزه و ۳ نماینده در مجلس است) در کلیه استان‌های کشور برگزار شده است. با این حال، استانی نیست که بخشی از کرسی‌های آن در مرحله اول قطعیت نیافته باشد و حداقل بخشی از کرسی‌های همه استان‌ها در مرحله اول قطعیت یافته‌اند. در حالی که در دوره اول، پنج استان در مرحله اول هیچ کرسی قطعیت یافته نداشتند.

اکثریت یک‌سوم

در زمان برگزاری سومین و چهارمین دوره انتخابات مجلس کل کشور به ۲۴ استان و ۱۹۶ حوزه انتخابیه و ۲۷۰ کرسی نمایندگی تقسیم شده بود.

در سومین دوره انتخابات، استان تهران با ۱۷ کرسی و استان‌های آذربایجان شرقی و خوزستان هرکدام با ۱۰ کرسی، به ترتیب استان‌هایی بودند که بیش‌ترین سهم را در کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم داشتند.

استان ایلام با دو حوزه و دو کرسی، تنها استان در بین ۲۴ استان کشور بود که هیچ یک از کرسی‌های آن در مرحله اول قطعیت نیافته و به مرحله دوم موکول شده است.

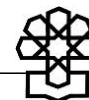
مرحله دوم این دوره از انتخابات در ۱۹ استان کشور برگزار شده است. استان‌های سمنان، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان، کرمان و هرمزگان در این مرحله از انتخابات حضور نداشتند.

در چهارمین دوره انتخابات، استان تهران با ۳۰ کرسی و استان‌های آذربایجان شرقی با ۱۴ کرسی و خوزستان با ۱۲ کرسی، به ترتیب استان‌هایی بودند که بیش‌ترین سهم را در کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم داشتند.

مرحله دوم این دوره انتخاباتی در ۱۹ استان کشور برگزار شده است. استان‌های سمنان، کهگیلویه و بویراحمد، یزد، کرمان و هرمزگان در این مرحله از انتخابات حضور نداشتند.

همانند دوره انتخاباتی قبل، استان ایلام با دو حوزه و دو کرسی، تنها استان در بین ۲۴ استان کشور است که هیچ یک از کرسی‌های آن در مرحله اول قطعیت نیافته و به مرحله دوم موکول شده است.

در دوره پنجم انتخابات مجلس تعداد استان‌های کشور به ۲۵ استان افزایش یافته بود. استان تهران با ۳۲ کرسی و استان‌های آذربایجان شرقی با ۹ کرسی و خوزستان با ۸ کرسی، به ترتیب استان‌هایی بودند که بیش‌ترین سهم را در کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم داشتند. جالب اینجاست که این سه استان، همان استان‌هایی هستند که از اولین دوره انتخابات مجلس به صورت متوالی و مستمر بیش‌ترین آمار را در مرحله دوم انتخابات به خود اختصاص داده‌اند.



مرحله دوم این دوره در ۲۱ استان کشور برگزار شده است. استان‌های زنجان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و هرمزگان در مرحله دوم این دوره از انتخابات حضور نداشتند. دو استان زنجان و چهارمحال و بختیاری تازه به این جمع اضافه شده‌اند، اما دو استان کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان استان‌هایی هستند که تاکنون در مرحله دوم هیچ یک از دوره‌های انتخاباتی حضور نداشته‌اند. همانند دوره‌های انتخاباتی قبل، استان ایلام با دو حوزه و دو کرسی، تنها استان در بین ۲۶ استان کشور است که کل کرسی‌های آن در مرحله اول قطعیت نیافته و به مرحله دوم موکول شده است.

اکثریت یک‌چهارم

در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی تعداد استان‌های کشور به ۲۸ استان و تعداد حوزه‌ها و کرسی‌های مجلس به ۲۰۷ حوزه انتخابیه و ۲۹۰ کرسی نمایندگی افزایش یافت. مرحله دوم دوره ششم انتخابات نیز در ۲۲ استان برگزار شد. البته به نظر می‌رسد افزایش تعداد استان‌ها از ۲۶ استان به ۲۸ استان در این عدم تغییر نقش داشته است. استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، یزد، کرمان، قزوین و قم در مرحله دوم این دوره از انتخابات حضور نداشتند. استان خوزستان با ۹ کرسی و استان‌های آذربایجان شرقی و غربی هرکدام با ۶ کرسی، به ترتیب استان‌هایی بودند که بیش‌ترین سهم را در کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم داشتند. برخلاف دوره‌های انتخاباتی قبل، حداقل بخشی از کرسی‌های همه استان‌ها در مرحله اول قطعیت یافته‌اند و هیچ استانی وجود ندارد که بخشی از کرسی‌های متعلقه آن در مرحله اول قطعیت نیافته باشد. در دوره **هفتم** انتخابات از بین ۲۸ استان کشور، ۲۰ استان در مرحله دوم انتخابات حضور داشتند. استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، سمنان، هرمزگان، یزد، کرمان، قزوین و قم در مرحله دوم این دوره از انتخابات حضور نداشتند. استان آذربایجان شرقی با ۷ کرسی و استان گلستان با ۶ کرسی، به ترتیب استان‌هایی بودند که بیش‌ترین سهم را در کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم داشتند.

همانند دوره‌های انتخاباتی قبل، حداقل بخشی از کرسی‌های همه استان‌ها در مرحله اول قطعیت یافته‌اند و هیچ استانی وجود ندارد که بخشی از کرسی‌های متعلقه آن در مرحله اول قطعیت نیافته باشد. در دوره **هشتم** انتخابات تعداد استان‌های کشور به ۳۰ استان افزایش یافت. علیرغم افزایش تعداد استان‌های کشور و با وجود افزایش آمار کرسی‌ها و حوزه‌های انتخابیه در مرحله دوم، فقط ۲۱ استان در مرحله دوم حضور داشته‌اند. استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، هرمزگان، خراسانات جنوبی و شمالی، کرمان، مرکزی، قزوین و قم در مرحله دوم این دوره از انتخابات حضور نداشتند.

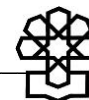
استان تهران با ۱۱ کرسی، استان آذربایجان شرقی با ۱۰ کرسی و استان خوزستان با ۸ کرسی، به ترتیب استان‌هایی بودند که بیش‌ترین سهم را در کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم داشتند. به غیر از استان ایلام، حداقل بخشی از کرسی‌های همه استان‌ها در مرحله اول قطعیت یافته‌اند.

در نهمین دوره انتخابات مجلس تعداد استان‌های کشور به ۳۱ استان افزایش یافت. علی‌رغم افزایش تعداد استان‌ها، به سبب کاهش تعداد کرسی‌ها و حوزه‌های راه‌یافته به مرحله دوم، از بین ۳۱ استان کشور، مرحله دوم فقط در ۱۸ استان برگزار شد. یعنی ۱۳ استان کشور در مرحله دوم این دوره از انتخابات حضور نداشتند که در نوع خود بی‌سابقه است. استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، هرمزگان، کرمان، قم و قزوین در دوره‌های قبلی نیز در مرحله دوم حضور نداشتند، اما استان‌های آذربایجان غربی، البرز، مازندران، بوشهر و زنجان استان‌هایی بودند که برای اولین بار در مرحله دوم غایب بودند. دو استان خراسانات جنوبی و شمالی نیز که در دوره انتخاباتی قبل تاسیس شده‌اند، همانند دوره قبل در این دوره نیز در مرحله دوم حضور نداشتند.

استان تهران با ۲۵ کرسی و استان خوزستان با ۸ کرسی، به ترتیب استان‌هایی بودند که بیش‌ترین سهم را در کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم داشتند. همانند دوره قبل استان ایلام تنها استانی است که هیچ یک از کرسی‌های آن در مرحله اول قطعیت نیافته و به مرحله دوم موکول شده است.

جدول ۱۵. دامنه جغرافیایی انتخابات اولین تا دهمین دوره مجلس شورای اسلامی

حدنصاب	دوره مجلس	استان‌هایی که در مرحله دوم حضور ندارند	استان‌هایی که کلیه کرسی‌های آنها به مرحله دوم موکول شده است	استان‌هایی که بیش‌ترین سهم کرسی‌ها را در مرحله دوم داشته‌اند	تعداد استان‌هایی که مرحله دوم در آنها برگزار شده است
اکثریت مطلق	اول	کهگیلویه و بویراحمد، یزد و کردستان	آذربایجان غربی، ایلام، چهارمحال و بختیاری، باختران و گرگان	تهران با ۱۶ کرسی - آذربایجان شرقی و خوزستان هر کدام با ۱۲ کرسی	۲۱ استان از بین ۲۴ استان کشور
	دوم	بوشهر	-	تهران با ۲۰ کرسی، آذربایجان شرقی با ۱۳ کرسی و خراسان با ۱۱ کرسی	۲۳ استان از بین ۲۴ استان کشور
اکثریت یک سوم	سوم	کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، کردستان، کرمان و هرمزگان	ایلام	تهران با ۱۷ کرسی، آذربایجان شرقی و خوزستان هر کدام با ۱۰ کرسی	۱۹ استان از بین ۲۴ استان کشور
	چهارم	کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، یزد، کرمان و هرمزگان	ایلام	تهران با ۳۰ کرسی، آذربایجان شرقی با ۱۴ کرسی و خوزستان با ۱۲ کرسی	۱۹ استان از بین ۲۴ استان کشور



حدنصاب	دوره مجلس	استان‌هایی که در مرحله دوم حضور ندارند	استان‌هایی که کلیه کرسی‌های آنها به مرحله دوم موکول شده است	استان‌هایی که بیش‌ترین سهم کرسی‌ها را در مرحله دوم داشته‌اند	تعداد استان‌هایی که مرحله دوم در آنها برگزار شده است
اکثریت یک چهارم	پنجم	کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، چهارمحال و بختیاری و زنجان	ایلام	تهران با ۳۲ کرسی، آذربایجان شرقی با ۹ کرسی و خوزستان با ۸ کرسی	۲۱ استان از بین ۲۵ استان کشور
	ششم	کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، یزد، قم، کرمان و قزوین	-	خوزستان با ۹ کرسی، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی هر کدام با ۶ کرسی	۲۲ استان از بین ۲۸ استان کشور
	هفتم	کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، سمنان، هرمزگان، یزد، کرمان، قم، قزوین	-	آذربایجان شرقی با ۷ کرسی و گلستان با ۶ کرسی	۲۰ استان از بین ۲۸ استان کشور
	هشتم	کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، هرمزگان، خراسانات جنوبی و شمالی، کرمان، مرکزی، قم و قزوین	ایلام	تهران با ۱۱ کرسی، آذربایجان شرقی با ۱۰ کرسی و خوزستان با ۸ کرسی	۲۱ استان از بین ۳۰ استان کشور
	نهم	کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، هرمزگان، کرمان، قم، قزوین، آذربایجان غربی، البرز، مازندران، بوشهر، زنجان، خراسانات جنوبی و شمالی	ایلام	تهران با ۲۵ کرسی و خوزستان با ۸ کرسی	۱۸ استان از بین ۳۱ استان کشور
	دهم	کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، هرمزگان، کرمان، قم، قزوین، البرز، بوشهر، خراسانات جنوبی و شمالی	ایلام	خوزستان با ۸ کرسی، آذربایجان شرقی با ۷ کرسی و آذربایجان غربی و لرستان هر کدام با ۵ کرسی	۲۰ استان از بین ۳۱ استان کشور

در دهمین دوره انتخابات مجلس، از بین ۳۱ استان کشور، مرحله دوم در ۲۰ استان برگزار شد. استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، هرمزگان، کرمان، قم و قزوین در دوره‌های قبلی نیز در مرحله دوم حضور نداشتند، اما استان‌های البرز و بوشهر استان‌هایی هستند که برای اولین بار در دوره قبل در مرحله دوم غایب بوده‌اند و در این دوره نیز در مرحله دوم حضور ندارند. دو استان خراسانات جنوبی و شمالی نیز که در دوره انتخاباتی هشتم تأسیس شده‌اند، همانند دوره‌های هشتم و نهم به صورت متوالی در این دوره نیز در مرحله دوم حضور ندارند.

استان تهران، مخصوصاً حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر در این دوره از انتخابات برای اولین بار است که در مرحله دوم حضور ندارد.

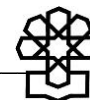
استان خوزستان با ۸ کرسی و استان آذربایجان شرقی با ۷ کرسی و استان‌های آذربایجان غربی و لرستان هر کدام با ۵ کرسی، به ترتیب استان‌هایی هستند که بیش‌ترین سهم را در کرسی‌های راه‌یافته به مرحله دوم دارند. همانند دوره قبل استان ایلام تنها استانی است که هیچ یک از کرسی‌های آن در مرحله اول قطعیت‌نیافته و به مرحله دوم موکول شده است.

نتیجه‌گیری

در طی چهل سال گذشته، سیاست انتخاباتی در خصوص انتخابات مجلس بر این مدار قرار گرفته است که چون حدنصاب مقرر در نظام اکثریت دوم‌مرحله‌ای موجب می‌شود بخش زیادی از کرسی‌ها و حوزه‌ها به مرحله دوم موکول شود، از این بابت برگزاری مرحله دوم هزینه‌های برگزاری انتخابات و هزینه تبلیغات انتخاباتی را مضاعف می‌کند. از طرف دیگر با توجه به تجارب حاصله، نوعاً در مرحله دوم مشارکت سیاسی شدیداً کاهش می‌یابد و نمایندگان منتخب در مرحله دوم اکثراً با تعداد آرا کم‌تری نسبت به نمایندگان منتخب مرحله اول به مجلس راه می‌یابند، لذا برای پیشگیری از این آثار و نتایج، حدنصاب انتخاباتی مستمراً تنزل‌یافته و از اکثریت مطلق در انتخابات مجلس اول به اکثریت یک‌پنجم در انتخابات آتی رسیده است.

به هر حال، بررسی داده‌ها و نتایج ده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که با کاهش تدریجی حدنصاب انتخاباتی، میزان کرسی‌ها و حوزه‌های راه‌یافته به مرحله دوم تدریجاً با کاهش نسبی برخوردار بوده، لکن نه تنها برگزاری مرحله دوم کلاً منتفی نشده، بلکه شاهد آثار مختلف از یک حدنصاب انتخاباتی بوده‌ایم. سطح مشارکت سیاسی در مرحله دوم با تنزل حدنصاب انتخاباتی نتیجه معکوس داده است. به عبارت دیگر، در دوره‌های اولیه انتخابات مجلس که حدنصاب انتخاباتی دشوار بود، سطح مشارکت در مرحله دوم وضعیت بهتری نسبت به دوره‌های بعدی داشته است، به صورتی که در دوره هفتم انتخابات سطح مشارکت در مرحله دوم نسبت به مرحله اول حدود ۵۵ درصد کاهش داشته است. مقایسه تعداد آرا منتخبین مرحله دوم با تعداد آراء آنها در مرحله اول نشان می‌دهد که در دوره‌های مختلف انتخاباتی نتایج یکسانی به‌دست نیامده و در برخی دوره‌ها با کاهش آرا و در برخی دوره‌ها نیز با افزایش آرا به مجلس راه‌یافته‌اند و حدنصاب انتخاباتی در این قضایا دخالت نداشته است.

علاوه بر موارد فوق، نتایج تحقیق حاکی است که با تنزل تدریجی حدنصاب انتخاباتی پش‌توانه مردمی مجلس و درجه نمایندگی تدریجاً و شدیداً کاهش یافته و از مقیاس ۰/۷۰ در دوره اول به مقیاس ۰/۱۷ در دوره دهم رسیده است. در هر دوره که انتخابات با مشارکت احزاب سیاسی (یا گروه‌های سیاسی) برگزار شده است، تناسب انتخاباتی افزایش یافته و کرسی‌های مجلس بین گروه‌ها به تناسب آرا مأخوذه تقسیم شده است.



به عنوان یک توصیه سیاستی متذکر می‌شود که قطعیت نتایج انتخابات همواره و همیشه «کمال مطلوب» و «ایدئال» یک فرمول انتخاباتی نمی‌تواند باشد، یعنی نباید در نظام دومرحله‌ای به دنبال کاهش تعداد کرسی‌ها و حوزه‌های راه‌یافته به مرحله دوم بود که اگر چنین باشد، باید نظام اکثریت نسبی بدون کوچک‌ترین اما و اگر بر نظام دومرحله‌ای ترجیح داده شود، حال آنکه چنین نیست. مزایای این نظام نباید فدای قطعیت انتخاباتی شود. عدم قطعیت نتایج انتخابات در مرحله اول و موکول شدن نتایج بخش وسیعی از حوزه‌ها و کرسی‌ها به مرحله دوم، نمی‌تواند و نباید دستاویزی برای کاهش حدنصاب انتخاباتی در این گونه از نظام‌های انتخاباتی قرار گیرد و الا شاهد کارکرد نامناسب و آثار نامطلوب این نظام انتخاباتی خواهیم بود.

موکول شدن بخش وسیعی از حوزه‌ها و کرسی‌ها به مرحله دوم را نمی‌توان «مشکل یا مسئله» فرض کرد تا با طرح آن به فرمول دومرحله‌ای خرده گرفت. این آثار، «نتایج عادی و ذاتی و معمولی فرمول دومرحله‌ای» هستند و زمانی که این فرمول مورد گزینش قرار می‌گیرد، باید پیامدهای طبیعی و عادی آن را نیز پذیرفت. خیلی پیش‌تر از کشور ما، این فرمول در کشور فرانسه مورد عمل قرار گرفته و همین آثار و پیامدها را، حتی در مقیاسی وسیع‌تر از انتخابات ما، به بار آورده و از سال ۱۹۵۸ تاکنون، هیچ مصلحتی حداقل از این بابت بر این فرمول انتخاباتی خرده نگرفته است.

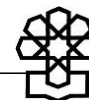
در مورد درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی، درسی که از تجربه ده دوره انتخابات مجلس اندوخته شده است، این است که هر چه حدنصاب انتخاباتی نصاب بالاتری باشد، درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی مجلس و میزان آرا مکتسبه نمایندگان افزایش یافته و از درصد آرا بلااثر کاسته خواهد شد. بر عکس، هر چه حدنصاب انتخاباتی کاهش یابد، درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی و میزان آرا مکتسبه نمایندگان کاهش یافته و بر میزان آرا بلااثر افزوده خواهد شد. تداوم روند تنزل حدنصاب انتخاباتی موجب تغییر و جایگزینی در ارزش‌های سیاسی و جابه‌جایی اقلیت با اکثریت خواهد شد. در نظام انتخاباتی دومرحله‌ای، درجه نمایندگی و پشتوانه مردمی بر قطعیت نتایج انتخابات دارای اولویت است.

نتیجه حاصله این است که استان‌هایی که حوزه‌ها و کرسی‌های آنها در مرحله اول به قطعیت رسیده‌اند و یا استان‌هایی که همواره و در اکثر دوره‌های انتخاباتی مجلس، در مرحله دوم حضور داشته‌اند، با اندک تفاوت و تغییرات که عمدتاً ناشی از حدنصاب انتخاباتی است، همواره یکسان بوده‌اند، به گونه‌ای که برخی استان‌ها هستند که در تمامی دوره‌های انتخاباتی، تمامی حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های نمایندگی متعلقه آنها در مرحله اول قطعیت یافته‌اند و برخی استان‌ها نیز هستند که تمامی حوزه‌های انتخابیه و کرسی‌های نمایندگی متعلقه آنها، عمدتاً و در اکثر دوره‌های انتخاباتی به مرحله دوم موکول شده‌اند. تعدادی از استان‌ها نیز هستند که در دوره‌های مختلف انتخاباتی، بخشی از حوزه‌های انتخابیه و

کرسی‌های نمایندگی متعلقه آنها در مرحله اول به قطعیت رسیده و بخشی دیگر نیز به مرحله دوم موکول شده است. به نظر می‌رسد، از این حیث یک الگو در بین استان‌های کشور وجود دارد. برای مثال در انتخابات آینده مجلس، استان ایلام مستعد این است که تمامی کرسی‌های آن به مرحله دوم راه یابند. از لحاظ تغییر در انتخاب قطعی متذکر می‌شود، هر چه تعداد تغییرات از لحاظ انتخاب قطعی در مرحله دوم بیش‌تر باشد، برگزاری مرحله دوم اثربخشی بیش‌تری خواهد داشت. چنانچه بستر سیاسی بستری چندقطبی و با حضور جریان‌ات و طیف‌های متعدد صورت گیرد، احتمال تغییرات در ترکیب نامزدهای مرحله دوم از لحاظ انتخاب قطعی بیش‌تر خواهد بود. تغییر اندازه حوزه‌های انتخابیه و تبدیل حوزه‌های انتخابیه چند نماینده به حوزه‌های انتخابیه تک نماینده نیز احتمال تغییرات را افزایش می‌دهد، زیرا شکستن وضعیت خاص در حوزه‌های تک‌نماینده آسان‌تر از حوزه‌های بزرگ است. برعکس، چنانچه بستر سیاسی به یک بستر تک قطبی ببینجامد، در این صورت، قطعیت نتایج در مرحله اول بیش‌تر بوده و از تعداد کرسی‌های مرحله دوم کاسته شده، احتمال ایجاد تغییرات چشمگیر از لحاظ انتخاب قطعی کم‌تر خواهد بود. حوزه‌های انتخابیه بزرگ و چند نماینده نیز احتمال تغییرات را بالا می‌برند. زیرا شکستن وضعیت خاص در این حوزه‌ها دشوارتر است.

در مورد مقایسه آرا منتخبین مرحله دوم نیز زمانی که ادعا می‌کنیم منتخبین مرحله دوم با آرای به مراتب کم‌تری نسبت به مرحله اول راهی مجلس می‌شوند، باید بدانیم که اولاً این امر در مورد همه دوره‌های مجلس صحت ندارد، ثانیاً نرخ کاهش میزان آرا منتخبین بسیار ناچیز است، در حالی که نرخ افزایش تعداد آرا رقم قابل توجهی است. همچنین به استثنای دوره دوم مجلس، در همه دوره‌ها، تعداد نمایندگانی که در مرحله دوم با افزایش آرا راهی مجلس شده‌اند، بسیار بیش‌تر از نمایندگانی است که با کاهش تعداد آرا به نمایندگی مجلس انتخاب شده‌اند. مخصوصاً در دوره‌های ششم و دهم تعداد آنان از تعداد انگشتان یک دست هم فراتر نرفته است.

در مورد میزان مشارکت نیز باید گفت کاهش فاحش میزان مشارکت در مرحله دوم انتخابات، مخصوصاً از دوره ششم به بعد زنگ خطر را به صدا در آورده است. به نظر می‌رسد سیاست تنزل حدنصاب انتخاباتی به امید اینکه این معضل را حل کند، صرفاً پاک کردن روی مسئله است. اگر حساسیت رأی‌دهندگان در مرحله دوم از طریق تبلیغات رسانه‌ای و فعالیت حزبی و معرفی نامزدهای با کیفیت و مطلوب و بها دادن به رأی مردم افزایش یابد، قطعاً سطح مشارکت در مرحله دوم نیز بالا خواهد گرفت. درسی که از مجلس اول آموخته‌ایم نباید فراموش شود و باید چراغ راه باشد: حدنصاب بالا در مرحله اول، نامزدهای مطلوب، مشارکت گسترده در مرحله دوم، مجلسی با پشتوانه مستحکم مردمی و انقلابی. متقابلاً «پژواکی» که از مجالس ششم تا دهم - و احتمالاً - مجلس یازدهم، به گوش می‌رسد، باید آویزه



گوش و درس عبرت باشد: حدنصاب پایین در مرحله اول، نامزدهایی به مراتب با شأن نامزدی پایین، مشارکت ناچیز در مرحله دوم و مجلسی با کم‌ترین پشتوانه مردمی. بنابراین، مهم‌ترین توصیه سیاستی این گزارش این است که کاهش حدنصاب انتخاباتی به هر بهانه، قابل توجیه نیست، زیرا دور شدن از نظام اصلی دومرحله‌ای (اکثریت مطلق) آثار و نتایج مضری را متوجه انتخابات مجلس ساخته است. این نظام انتخاباتی یا باید با همه آثار و نتایجش مورد پذیرش قرار گیرد و یا کلاً به نفع یک نظام انتخاباتی دیگر کنار گذاشته شود.

منابع و مأخذ

۱. شماره‌های مختلف روزنامه‌های اطلاعات، کیهان، جمهوری اسلامی، ایران، ابرار، همشهری و روزنامه رسمی که اطلاعاتی انتخاباتی ستاد انتخابات وزارت کشور را درج کرده‌اند.
۲. جزوه دریافتی از وزارت کشور در خصوص نتایج انتخابات دوره‌های اول تا پنجم مجلس شورای اسلامی.
۳. روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دوره‌های اول تا نهم، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۴. اطلاعاتی انتخاباتی ستاد انتخابات وزارت کشور منعکس در آدرس: <http://entekhabat.moi.ir>
۵. مروری بر ضعف‌ها و قوت‌های قانون انتخابات مجلس، فراز و فرودهای قانون انتخابات، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نشریه مجلس و پژوهش، ش ۱۹، سال چهارم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵.



شماره مسلسل: ۱۶۲۰۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: آثار و نتایج نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر حدنصاب‌های اکثریتی معمول در ده دوره انتخاباتی

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: مهدی نژادخلیلی

ناظران علمی: محمدرضا شمس، حسن کریمی‌فرد

اظهارنظرکننده خارج از مرکز: مهدی مختاری

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. مجلس شورای اسلامی
۲. حدنصاب انتخاباتی
۳. اکثریت مطلق
۴. اکثریت یک‌سوم
۵. اکثریت یک‌چهارم
۶. تناسب انتخاباتی
۷. مشارکت
۸. فرمول انتخاباتی
۹. انتخابات



تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۱۰/۱